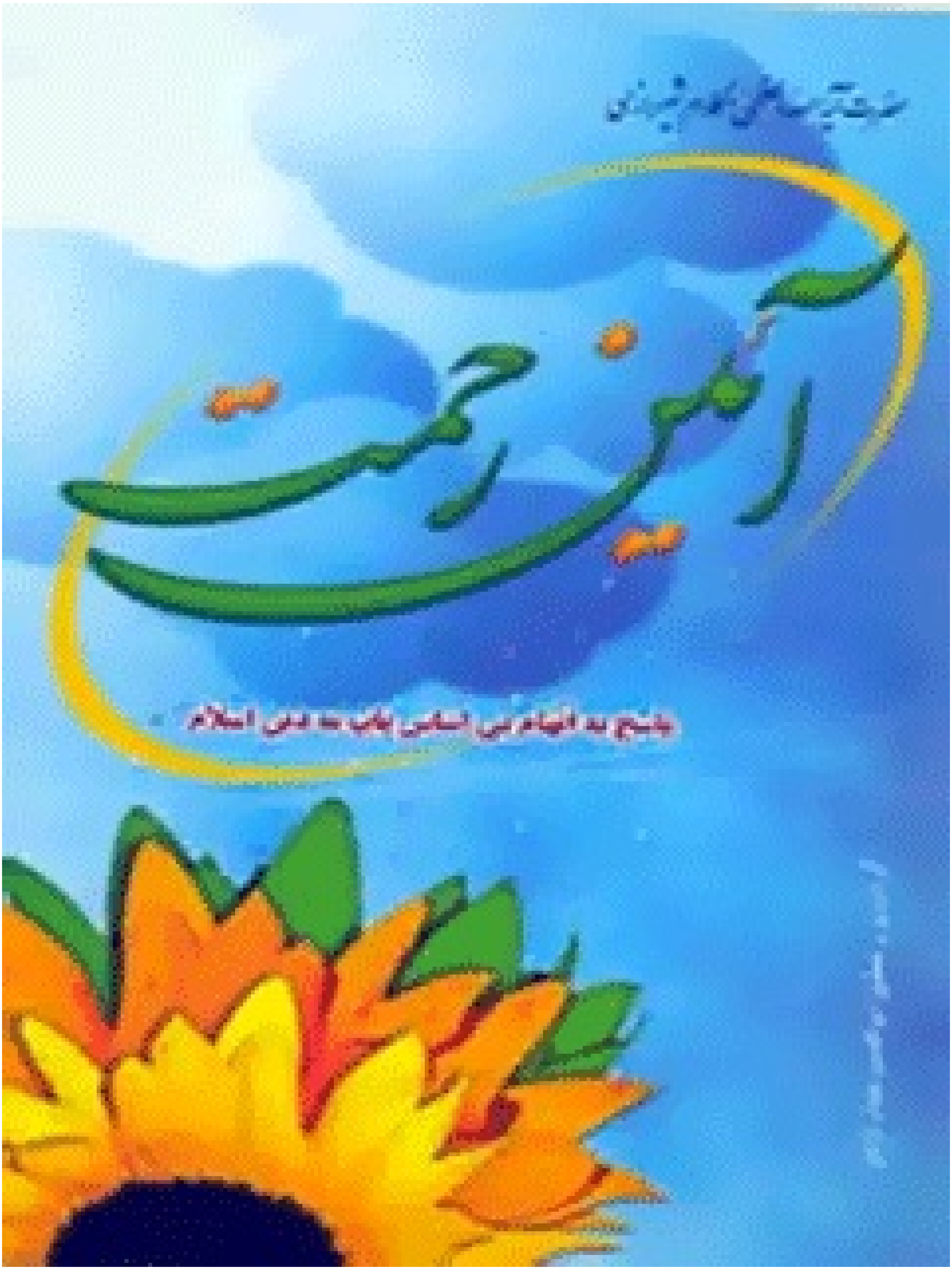


بسم الله الرحمن الرحیم

آئین رحمت

نویسنده:

آیت الله العظمی ناصرمکارم شیرازی (دام ظله)

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آئین رحمت

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۰۵ - عنوان و نام پدیدآور : آئین رحمت: پاسخ به اتهام بی‌اساس پاپ به دین اسلام/ مکارم شیرازی. ؛ گردآوری و تحقیق ابوالقاسم علیان‌نژادی. مشخصات نشر : قم: مدرسهٔ الامام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری : ۹۶ ص. شابک : ۵۰۰۰ ریال ۹۶۴۵۳۳۰۲۴۶ یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Makarem shirazi.Religion of mercy. یادداشت : عنوان دیگر: آیین رحمت: پاسخ به دو اتهام بی‌اساس پاپ به دین اسلام یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. عنوان دیگر : آیین رحمت: پاسخ به دو اتهام بی‌اساس پاپ به دین اسلام موضوع : بندیکت شانزدهم، پاپ ۱۹۲۷ - م.-- نظریه درباره اسلام موضوع : اسلام -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها شناسه افزوده : علیان‌نژادی ابوالقاسم ۱۳۴۳ - ، گردآورنده رده بندی کنگره : BP۲۲۸/۴/م۹آ۷ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۹۸۶۹۰

پیشگفتار

پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر کاتولیکهای جهان، در سخنرانی روز سه‌شنبه خود، که در دوازدهم «۱» سپتامبر ۲۰۰۶ میلادی در دانشگاه راتیسبونا واقع در شهر رگنزبورگ آلمان ایراد کرد، در بحثی، رابطه بین خردورزی و ایمان و مسأله جهاد را به میان کشید، و آئین اسلام را متّهم به خشونت و تقابل با علم و دانایی کرد! او در سخنانش به نقل قولی از یک گفت و گو میان مانوئل دوم امپراتور مسیحی بیزانس با یک عالم دینی مسلمان ایرانی استناد کرد که گفته بود: «به من نشان بده که محمّد چه چیز تازه‌ای ارائه کرده است؟ آیا جز چیزهای بد و غیر انسانی چیز دیگری به ارمغان آورده است؟ مثلًا او حکم می‌کرد که ایمانی که او وعظ می‌کند باید با زور شمشیر گسترش یابد». «۲» آیین رحمت، ص: ۱۰ جناب پاپ با نقل قطعه تاریخی مذکور، دو اتّهام بی‌اساس را به اسلام نسبت داده است: نخست اتّهام خشونت و پیشرفت اسلام در سایه زور و شمشیر! دیگر اتّهام ناسازگاری آئین مقدّس اسلام با علم و خردورزی! گرچه این اتّهامات اتّهامهای تازه و جدیدی نیست، و کسانی که از یکسو شاهد پیشرفت سریع و چشمگیر اسلام بوده، و از سوی دیگر قادر بر مقابله منطقی با این دین و فرهنگ قوی آن نبوده‌اند، سعی کرده‌اند با انواع برچسب‌ها و دروغ‌ها از جمله برچسبهای مذکور، مانع اسلام آوردن دیگر تشنگان حقیقت شوند، ولی این سخن از یک مقام مذهبی که عالیترین مقام کاتولیکهای جهان است، و طبیعتاً باید آشنایی کافی از دیگر ادیان مطرح جهان داشته باشد، بسیار اعجاب آور است. لذا لازم بود پاسخ شایسته‌ای به این تهمتهای ناروا داده شود، آنچه در این نوشتار ملاحظه می‌کنید پاسخ به اتهام اوّل است. و به خواست خدا بی‌اساس بودن اتّهام دوم ایشان را نیز با ادلّه و مدارک معتبر تقدیم علاقمندان خواهیم کرد. *** نوشته‌ای که پیش‌رو دارید بخشی از مباحث تفسیری مرجع عالیقدر حضرت آیهٔ اللَّه العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه العالی) است، که در ماه مبارک رمضان ایراد گردیده، و در قالب کتاب «والاترین بندگان» منتشر شد. آیین رحمت، ص: ۱۱ مبحث مورد نظر پس از بازبینی مجدّد و تیتربندی جدید، و اضافه کردن مباحث تکمیلی، در شش فصل خدمت شما خوانندگان محترم تقدیم می‌شود. در ضمن برای تکمیل این اثر، بیانیه آن مرجع عالیقدر در پاسخ به سخنان بی‌اساس پاپ، و اطلاعیّه اعلان آمادگی معظّم له برای مناظره با پاپ در مورد ادّعای مزبور، در فصل ششم از نظر شما خوانندگان عزیز می‌گذرد. امید است صاحب این آئین مقدّس که سراسر رحمت و مهربانی و خردورزی است، این گام کوچک را از ما بپذیرد، و آن را ذخیره یوم المعادمان قرار دهد. والسلام علیکم و رحمهٔ اللَّه و برکاته ابوالقاسم علیان نژادی ۲۳ مهر ۱۳۸۵ مطابق با ۲۱ رمضان ۱۴۲۷ آیین رحمت، ص: ۱۳

فصل اوّل:

تبیین و تفسیر شبهه

اسلام آئین خشونت یا رأفت

دشـمنان لجوج اسـلام هنگـامی که این دین الهی را مـانع بزرگی بر سـر راه منـافع- و به تعبیر دقیقتر مطامع- خویش یافتنـد، در فکر مبـارزه و مقـابله بـا آن افتادنـد، و برای رسـیدن به اهـداف خویش از هر وسـیله و ابزاری سود جسـتند. این مبـارزه، از اوّلین روزهای پیدایش اسلام آغاز و هم اکنون نیز ادامه دارد، و در آینده هم ادامه خواهد داشت؛ بلکه این مبارزه در عصر و زمان ما، مخصوصاً از سوی غربیها و در رأس آنها آمریکا، جزء برنامه اصـلی آنها می‌باشد. «۱» از جمله ابزارهای ناجوانمردانه‌ای که همواره مورد استفاده آنها قرار گرفته و می گیرد، برچسب خشونت است. آنها می گویند: «اسـلام آئین خشـونت و جنگ است!- اسلام با روح لطیف بشر سازگار نیست!- اسلام حقوق بشر را آیین رحمت، ص: ۱۶ نادیده می‌انگارد!» و این تهمتهای ناروا را در سراسر جهان بر ضدّ اسلام ترویج می کنند. با کمال تأسّف باید اعتراف کنیم که اعمال برخی مسلمان نماها، نیز به تبلیغات مسموم آنها کمک می کند. از جمله می توان به گروه طالبان، که مظهر خشونت و بی‌رحمی و ظلم و ستم و بیگانه از اسلام بودند، و به عنوان یک جمعیّت اسلامی مدّتی کوتاه حکومت افغانستان را غصب کردند، اشاره کرد. آری، این جمعیّتِ کوچکِ خشنِ از خدا بی خبر، در مدّت کوتاه حکومتشان جنایـات عجیبی را به اسم اسـلام مرتکب شدنـد و دشـمنان مـا از اعمـال و جنایـات آنهـا گزارشـها و فیلمهایی تهیّه کرده و به عنوان تصویری از اسـلام در جهان پخش کردند! فیلمهایی که حاوی جنایاتی فجیع (مانند سـر بریدن انسانها همچون گوسفند) بود، که دل هر انسانی را به درد می‌آورد. هر چند خوشبختانه اکثر مسلمانهای جهان از این مسلمان نماها اظهار انزجار و بیزاری کردند، و اعمال و کردار آنها را ساخته و پرداخته ذهن ناتوان و عاجز آنها دانسـتند. گروه القاعده از آنها بدتر و خشن‌ترند، آنها که از اسلام فقط نام آن را برای خود یدک می کشند، آن قدر در عراق جنایت کردند که در تاریخ بشر کمتر سابقه داشته است. ولی خوشبختانه اکثریّت قاطع مسلمانان جهان، اعمال آنها را محکوم می کنند و از اسلام بیگانه می‌شمرند. آیین رحمت، ص: ۱۷ با توجّه به این مطالب، لازم اسـت ایـن بحث به طـور جـدّی پی گیری شـود که آیـا اسـلام واقعاً آئین خشـونت است، یـا دین رحمت و رأفت و روابـط دوسـتانه می‌باشـد؟ برای پاسـخ به این سؤال بایـد هم به سـراغ قرآن مجیـد برویم، و سـیری کوتاه در آیات نورانی این کتاب دست نخورده و محفوظ از تحریف داشـته باشـیم، و هم پای سخنان رهبران پاک و معصوم دینی بنشینیم، و هم نمونه‌هایی از برخوردهای اجتماعی و عملی آن بزرگواران را از دل تاریـخ بیرون کشـیده و با رفتارهای مـدّعیان تمـدّن در جهان غرب مقایسه نماییم، تا آفتاب حقیقت از پشت ابرهای تاریک پدیدار گردد. آیین رحمت، ص: ۱۹

فصل دوم

رأفت و رحمت اسلامی در قرآن مجید

اشاره

بـا مطـالعه‌ای اجمـالی و تفکّر در برخی آیـات قرآن مجیـد، به نمونه‌هـای فراوانی از رأفت و رحمت اسـلامی در این کتاب آسـمانی دست می‌یابیم، که به عنوان اصل اساسی معرّفی شده است. به چند نمونه آن توجّه کنید:

۱- نسبت رحمت و خشونت در قرآن

در قرآن مجید یکصد و چهارده سوره وجود دارد، که صد و سیزده سوره آن با «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم» که پیام آور رأفت و رحمت و محبّت اسلامی است، شروع شده، و تنها یک سوره بدون «بِسْمِاللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم» است «۱»، که آن هم دلیل روشنی دارد: سوره برائت اعلان جنگ و نبرد و بیزاری از دشمنان لجوج و عنود اسلام است که امیدی به هدایت و اصلاح آنها نیست؛ و روشن است که به هنگام جنگ با دشمن کینه‌توز، از رحمت و محبّت سخن گفته نمی‌شود. آیین رحمت، ص: ۲۲ به عبارت دیگر، نسبت خشونت و رحمت در قرآن مجید بر این اساس، نسبت یک بر صد و چهارده است؛ یعنی اصل بر رحمت و رأفت است و خشونت یک استثناء می‌باشد! آیا دینی که معجزه آن چنین کتابی است، آئین خشونت است؟!

۲- بدی را با خوبی پاسخ دهید!

خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره «الرَّحْمن» می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْاحْسانِ الَّاالْاحْسانِ»؛ آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! این آیه شریفه، که سرشار از محبّت و رحمت و دوستی است، به عنوان یک شعار اسلامی ما مسلمانان می‌باشد. اگر تعجّب نکنید با مطالعه دیگر آیات قرآن در می‌یابیم که خداوند متعال نه تنها پاسخ نیکی را رفتار نیک می‌داند، بلکه به مسلمانان دستور می‌دهد در مقابل بدیها نیز به نیکی رفتار کنند، و پاسخ بدی را هم به نیکی بدهند! این مطلب در آیه شریفه ۹۶ سوره مؤمنون آمده است؛ می‌فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتی هِیَ احْسَنُ السَّیِّئَةَ نَحْنُ اعْلَمُ بِما یَصِفُونَ»؛ بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده) ما به آنچه توصیف می‌کنند، آگاهتریم. ای پیامبر! فریب خوردگان را- هر چند به تو بدی کرده‌اند- با عطوفت و محبّت به سوی اسلام باز گردان، تا تسلیم تو شوند. آیین رحمت، ص: ۲۳ آیا دین و آئینی که منطق آن خشونت و تندی است، به پیامبر خویش سفارش می‌کند که حتّی پاسخ بدیهای دیگران را با خوبی بدهد! یا چنین آئینی آئین محبّت و عاطفه و رحمت و صفا و عطوفت و مهربانی است!

۳- رحمت اسلامی، فراتر از مسلمانان

آیه چهاردهم سوره جاثیه می‌فرماید: «قُلْ لِلَّذینَ آمَنُوا یغْفِرُوا لِلَّذینَ لایَرْجُونَ ایَّامَ اللَّهِ لِیَجْزِیَ قَوْماً بِما کانُوا یَکْسِبُونَ»؛ (ای پیامبر ما!) به مؤمنان بگو: کسانی را که امید به روز رستاخیز ندارند، مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می‌دهند جزا دهد. طبق این آیه شریفه، رحمت و عطوفت اسلامی اختصاص به مسلمانان و مؤمنان ندارد؛ بلکه خداوند به مسلمانان دستور می‌دهد که با غیرمسلمان هم مهربان باشند. آیا چنین آئینی آئین خشونت است!؟ در داستان عذاب قوم لوط می‌خوانیم که فرشتگانِ مأمور عذاب، به صورت انسانهایی ناشناس به سراغ حضرت ابراهیم علیه السلام رفتند. آنها مأمور بودند شهر قوم لوط را نابود کنند، بلکه کلّ شهر را به آسمان ببرند و آن را واژگون نمایند! حضرت ابراهیم مشغول تهیّه غذا برای میهمانانش شد. غذا آماده و سفره گسترده شد، امّا هیچ یک از میهمانان دست به سمت آیین رحمت، ص: ۲۴ غذا دراز نکردند! این مطلب در آن عصر و زمان، پیام خوشی نداشت؛ زیرا هنگامی که میهمان ناشناس دست به غذا نمی‌زد، صاحبخانه از شرّ او در امان نبود؛ امّا اگر غذا می‌خورد و با صاحبخانه هم نمک می‌گردید، آرامش بیشتری اهل خانه را فرا می‌گرفت؛ بدین جهت، حضرت ابراهیم از این کار میهمانانش ناراحت شد و احساس خطر کرد، و علّت این کار را پرسید. آنان در پاسخ گفتند: ناراحت نباش، ما مأموران پروردگارت هستیم، و برای انجام دو مأموریّت خدمت شما رسیده‌ایم: نخست این که، به شما بشارت دهیم در این سنّ پیری و کهولت، خداوند فرزندی به نام اسحاق به شما عنایت خواهد کرد، و از نسل او پیامبرانی زاده خواهند شد. ابراهیم و همسرش از این خبر مسرّت‌آمیز و غیر منتظره غرق در شادی و شور و شعف شدند. دیگر این که، ما مأموریّت داریم قوم لوط، که مردمی آلوده و گناهکار هستند، را نابود کنیم. این خبر- بر عکس خبر نخست- حضرت ابراهیم را غرق در ماتم و اندوه کرد. بدین جهت با مأموران پروردگار، جهت تأخیر یا

تخفیف عـذاب قوم لوط شـروع به مـذاکره و چـانه زنی کرد، و با آنها در این رابطه به مجادله پرداخت! پاسـخ فرشـتگان درباره این درخواست چنین بود: «یا اِبْراهیمُ اَعْرِضْ عَنْ هذا اِنَّهُ قَدْجاءَ امْرُرَبِّکَ وَ اِنَّهُمْ آتیهِمْ عَذابٌ غَیْرُ مَرْدُودٍ»؛ «۱» آیین رحمت، ص: ۲۵ ای ابراهیم! از این (درخواست) صـرف نظر کن، که فرمـان پروردگـارت فرا رسیده و به طور قطع عـذاب الهی به سـراغ آنهـا می‌آیـد و برگشت نـدارد. با این که قوم لوط آلوده‌ترین و کثیف‌ترین و ناپاک‌ترین اقوام و ملل پیشـینیان بودنـد، امّا عطوفت و رأفت حضـرت ابراهیم شامل حال آنها گشت، و آن حضرت حاضر شد برای این مطلب از آبروی خویش نزد پرودگار مایه بگذارد، و برای آنها در تأخیر یا تخفیف عذابشان شـفاعت کند. حقیقتاً سـعه صدر حضـرت ابراهیم بسـیار زیاد و مثال زدنی است، و قرآن و اسلام ما ترویج کننده چنین رحمت و محبّتی است. آیا برچسب خشونت به چنین آئین سراسر رحمت و مهربانی و عطوفت، می‌چسبد؟ هرگز!

۴- مهربانی پیامبر، عامل جذب مسلمانان

یکی از معجزات پیامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله و سلم «تألیف قلوب» است. در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران می‌خوانیم: «فَبِما رَحْمَهٍٔ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ کُنْتَ فَظّاً غَلیظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ»؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شـدی؛ و اگر خشن و سـنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. آیین رحمت، ص: ۲۶ طبق این آیه شریفه، عطوفت و مهربانی پیامبر رحمت، موجب جذب و جلب مردم به سـمت آن حضـرت شد، که آن هم از رحمت الهی سرچشـمه گرفته بود. بدین جهت، در آیه ۶۳ سـوره انفـال می‌خوانیم: «لَوْ اَنْفَقْتَ مـا فِی الْـاَرْضِ جَمیعـاً مـا اَلَّفْتَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لکِنَّ اللَّهَ اَلَّفَ بَیْنَهُمْ اِنَّهُ عَزیزٌ حَکیمٌ»؛ (ای پیـامبر ما!) اگر تمام آنچه روی زمین است صـرف می‌کردی که میان دلهای آنان الفت دهی موّفق نمی‌شـدی؛ ولی خداونـد در میان آنها الفت ایجاد کرد. او توانا و حکیم است. ایجاد یک امّت مسـلمان پرقـدرت از آن مردم عقب افتاده، و تبدیل دلهای پراکنده و پر از کینه آنها، به قلبهایی متّحد و مهربان، یک معجره الهی بود. بنابراین، اگر یکی از معجزاتِ مهمّ پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله و سلم را تألیف قلوب و جمع بین جمعیّتی خشن و پر کینه، و ایجاد محبّت و صفا و صمیمیّت بین آنها بدانیم، سخن به گزافه نگفته‌ایم. آیا آئینی که معجزه آن تألیف قلوب و مهربانی و رحمت و عطوفت است، آئین خشونت است!

۵- صلح و آشتی برنامه اصلی اسلام

خداوند مهربان در آیه شریفه ۲۰۸ سوره بقره می‌فرمایـد: آیین رحمت، ص: ۲۷ «یـا اَیُّهَاالَّذین آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کافَّهًٔ وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ اِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌ایـد! همگی در صـلح و آشتی در آیید و از گامهای شـیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. طبق این آیه شریفه، صلح و آشتی برنامه اصلی اسلام است. و جالب این که قرآن مجید کسانی که از صلح و آشتی دوری می‌کنند و آتش افروزی می‌نمایند، و طالب درگیری و جنگ می‌باشند، پیرو شیطان معرفّی می‌کند! یعنی صلح و آشتی کاری الهی و رحمانی، و جنگ و آتش افروزی و خشونت، کاری شیطانی و اهریمنی است.

۶- مودّت و رحمت از نشانه‌های پروردگار

آیاتی از قرآن مجیـد بیان کننـده نشانه‌های عظمت پروردگار است- که در حقیقت موضوع برهان نظم در مسأله خداشناسـی است- در آیه شریفه ۲۱ سوره روم می‌خوانیم: «وَ مِنْ آیاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجاً لِتَسْکُنُوا اِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّهًٔ وَ رَحْمَهًٔ اِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٌ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ»؛ از نشانه‌های او این که همسـرانی از جنس خودتان برای شـما آفریـد تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودّت و آیین رحمت، ص: ۲۸ رحمت قرا داد؛ در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کننـد. ممکن است منظور از «بینکم» ارتبـاط بین زن و شـوهر باشـد؛ یعنی، خداونـد بین زن و شـوهر مـودّت و رحمت قرار داد؛ ولی به احتمـال قـوی‌تر منظـور

ارتباط بین تمام انسانهاست. طبق این احتمال، یکی از نشانه‌های خداوند این است که بین تمام انسانها محبّت و مودّت و رحمت ایجاد کرده است. آری، تألیف قلوب از آیات الهی است، به گونه‌ای که اگر این محبّت اجتماعی وجود نداشت، زندگی دستجمعی امکان‌پذیر نبود.

فصل سوم

رأفت و رحمت اسلامی در روایات

اشاره

رأفت و رحمت اسلامی در روایات متعدّد و فراوانی منعکس شده، که به نمونه‌هایی از آن اشاره می کنیم:

۱- اساس دین محبّت است

امام صادق علیه السلام در روایت زیبایی چنین می‌فرماید: «هَلِ الدّینُ الَّا الْحُبّ! انَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ: قُلْ انْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونی یَحْبِبْکُمُ اللَّه» «۱»؛ آیا دین جز محبّت و رحمت چیز دیگری است؟! (سپس دلیل کلامش را این گونه بیان می کند: زیرا) خداوند متعال می‌فرماید: اگر خدا را دوست دارید از دستورات من (پیامبر صلی الله علیه و آله) اطاعت کنید تا محبوب خداوند شوید. یعنی انگیزه عمل به دستورات الهی، عشق و محبّت به خداوند است. در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام چنین می‌خوانیم: آیین رحمت، ص: ۳۲ «الدّین هُوَ الْحُبُّ وَ الْحُبُّ هُوَ الدّینُ» «۱»؛ دین محبّت است و محبّت دین است. گاه استدلال عقلی انگیزه انسان برای انجام کاری می‌شود؛ و گاه عشق و محبّت، او را وادار به کاری می کند. آیا این دو انگیزه یکسان هستند؟ خداوند برای بقاء نسل بشر علاقه‌ای بین زن و مرد ایجاد کرد تا نسل بشر ادامه یابد؛ حال اگر قرار بود منطق و استدلال عقلی انگیزه انسان برای بقاء نسل باشد، مثل این که بگوید: «برای بقاء نسل باید ازدواج کرد و فرزندانی به وجود آورد و تمام زحمتها و ناراحتیهای آن را تحمّل کرد» یا بگوید: «چون در پیری و ناتوانی عصای دستی لازم دارم و کسی را می‌خواهم که مرا کمک کند و حمایتم نماید، پس بناچار باید ازدواج کنم و فرزندانی داشته باشم.» اگر واقعاً انگیزه انسان این امور بود، از هر ۱۰۰ نفر چند نفر حاضر به ازدواج و تحمّل سختیها و ناکامیها و مشکلات فراوان زندگی مشترک و بچّه دار شدن می‌شد؟ فکر نمی کنیم بیش از ۱۰ نفر آنها حاضر به چنین کاری می‌شدند. امّا جاذبه جنسی و عشق و محبّت، انسانها را به سمت ازدواج- با همه مشکلاتش- سوق می‌دهد؛ به گونه‌ای که آنها عاشقانه تمام سختیها را به جان می‌خرند؛ بلکه تمام عمرشان را به پای فرزندشان می‌ریزند تا نوزادشان کم کم بزرگ شود و راه رفتن بیاموزد، و سخن بگوید. آری، آیین رحمت، ص: ۳۳ انگیزه عشق و محبّت این قدرت و قوّت عجیب و خیره کننده را دارد. همین مطلب در مورد برنامه‌های دینی نیز صادق است و لهذا در روایات فوق بر عشق و محبّت تأکید شده، نه بر راه پرسنگلاخ برهان منطقی و استدلالهای عقلی، تا آدمی زودتر به سر منزل مقصود برسد. اگر عاشق شدی خود به خود به سوی اطاعت الهی گام برمی‌داری، و مشکلات آن را به جان می‌خری. اگر عاشق امام زمان شدی اطاعت اوامرش و مبارزه با فساد و منکرات، کاری بس آسان خواهد بود. آری، عشق و محبّت کارها را سهل می کند. آیا دین و آئینی که انگیزه حرکت پیروانش محبّت و عشق است، و تمام دینش را محبّت و عشق معرّفی می کند، آئین خشونت است؟!

۲- رحمت اسلامی در میدان نبرد!

رحمت و رأفت اسلامی بقدری وسیع و فراگیر است که در میدان جنگ نیز بروز و ظهور دارد؛ به تعبیر دیگر، اسلام آن قدر به

محبّت و عطوفت و رحمت اهمّیّت می‌دهد که حتّی در کانون خشونت و تندی، پیروانش را نسبت به آن سفارش می کند! بدین جهت در روایات مربوط به آداب جنگ، نکات جالبی در این زمینه به چشم می‌خورد، که به یک نمونه آن اشاره می کنیم: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله تصمیم می گرفت سربازان اسلام را به سوی میدان جنگ روانه کند، آنها را فرا آیین رحمت، ص: ۳۴ می‌خواند و این نکات «۱» را به آنها گوشزد می کرد (به گونه‌ای که اگر سربازی از این آداب تخلّف می کرد مورد مؤاخذه قرار می گرفت): «سِیرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ عَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»؛ به سوی میدان جنگ حرکت کنید، امّا نه از سر هوی و هوس، بلکه با نام و یاد خدا و برای رضای او، و با نیّتی پاک و خالی از هر گونه انگیزه غیر خدائی، و بر طبق برنامه‌های اسلامی (که شرح آن می‌آید) عمل کنید. «لا تَغُلُّوا»: در جنگ هرگز خیانت نکنید. این که: منظور از این جمله چیست؟ سه احتمال وجود دارد: نخست این که، در تقسیم غنیمتهای جنگی خیانت ننمایید. همانگونه که در برخی از آیات قرآن به این مطلب اشاره شده که: آنچه مربوطه به حکومت و رهبری است جدا شود. و آنچه مربوط به رزمندگان است در میان آنها تقسیم شود، و هر کس به آنچه حقّ اوست برسد و در غنیمت خیانت نشود. احتمال دیگر این که، رزمندگان گذشته از غنائم جنگی، در سایر امور هم به همدیگر خیانت نکنند. احتمال سوم این که، نه تنها به همرزمانتان، بلکه به دشمنان هم خیانت نکنید و با آنها جوانمردانه بجنگید. آیین رحمت، ص: ۳۵ «وَ لا تُمَثِّلُوا»: پس از این که دشمن را از پای درآوردید، بر پیکر بی جان او هجوم نیاورید، و آن را مُثله (قطعه قطعه) نکنید. در برخی روایات به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که حتّی اگر سگ درنده‌ای به شما حمله کرد و آن را از پای در آوردید، پس از کشتنش حقّ قطعه قطعه نمودن پیکرش را ندارید! «۱» «وَ لا تَغْدِرِوا»: اهل مکر و فریب و غدر و پیمان شکنی نباشید. اگر با دشمن از درِ صلح وارد شدید، و با او پیمان آتش بس امضا کردید، عهد و پیمانتان را محترم بشمرید، و آن را زیر پا ننهید. مسلمان کسی است که حتّی نسبت به عهد و پیمانی که با دشمنانش می‌بندد وفادار باشد؛ بدین جهت حضرت علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر خطاب به آن فرمانده شجاع خویش می‌فرماید: «اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا او را در پناه خود امان دادی، به عهد خود وفادار باش، و آنچه بر عهده گرفتی امانت‌دار باش، و جان خود را بر سر پیمانت بنه، زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست، که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتّفاق نظر دارند. «۲»» «وَ لاـ تَقْتُلُوا شَیْخاً فانِیاً وَ لا صَبیّاً وَ لا امْرَأَةً»؛ به افراد ضعیف و ناتوان، که دخالتی در جنگ ندارند، حمله آیین رحمت، ص: ۳۶ نکنید، و پیرمردهای ناتوان و بچّه‌ها و زنها را به قتل نرسانید. «وَ لا تَقْطَعُوا شَجَراً الّا انْ تَضْطَرُّوا الَیْها»؛ و درختان را قطع نکنید، مگر که ناچار شوید! انسان با مطالعه این قوانین متعالی و دستورات حساب شده و مترقّی، به عظمت اسلام و گستره رحمت اسلامی پی می‌برد و انگشت حیرت به دهان می گیرد؛ چرا که رحمت اسلامی در کانون خشونت، حتّی شامل درختان نیز می گردد؛ و لهذا پیامبرِ رحمةٌ للعالمین به سربازان خویش دستور می‌دهد که هیچ درختی را در هنگام جنگ و نبرد قطع نکنند و به محیط زیست احترام بگذارند؛ مگر این که درخت یا درختانی مانع پیشروی سربازان اسلام و لشکریان قرآن باشد، که در این صورت قطع آن از باب ضرورت- و البتّه به مقداری که ضرورت اقتضا می کند- مانعی ندارد. دستورات بعدی حضرت رسول صلی الله علیه و آله نشانگر اوج رأفت و رحمت اسلامی در میدان جنگ و نبرد است، توجّه بفرمایید: «وَ ایُّما رَجُلٍ مِنْ ادْنَی الْمُسْلِمینَ اوْ افْضَلِهُمْ نَظَرَ الی احَدٍ مِنَ الْمُشْرِکینَ فَهُوَ جارٍ حَتَّی یَسْمَعَ کَلامَ اللَّهِ، فَانْ تَبِعَکُمْ فَاخُوکُمْ فِی الدّین وَ انْ ابی فَابْلِغُوهُ مَأْمَنَهُ»؛ هر گاه یکی از لشکریان اسلام، چه برترین مقام باشد و چه پایین‌ترین سرباز، به یکی از دشمنان اسلام پناه داد، آن آیین رحمت، ص: ۳۷ شخص در أمان است؛ باید او را به پشت جبهه منتقل کنند، و با صبر و حوصله و زبان خوش و سعه صدر، معارف اسلام و دستورات و احکام اسلامی را برایش بیان کنند، اگر اسلام را پذیرفت و به سلک مسلمانان وارد شد، او هم مسلمانی است همانند شما، و از تمام حقوق مسلمانان برخوردار خواهد شد؛ و اگر اسلام را نپذیرفت، یا مهلتی برای تفکّر پیرامون دستورات اسلامی درخواست کرد، باید او را صحیح و سالم به کشورش بازگردانید، و به هیچ

عنوان حق ندارید او را اذیّت و آزار کنید. البتّه انجام این دستورات کار سهل و آسانی نیست، و سینه‌ای گشاده و ایمانی قوی می‌طلبد. بدین جهت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پایان سخنرانی به سربازانش دستور می‌دهد که برای انجام این دستورات- که بیانگر اوج رأفت و رحمت اسلامی است- از خداوند بزرگ و قادر کمک بطلبند. آیا دنیایی که دم از رعایت حقوق بشر می‌زند، و شعارهای بشر دوستانه‌اش گوش جهانیان را کر کرده، هیچ یک از این امور را در میدان جنگ رعایت می کند! در جنگ اسرائیل و فلسطین، نه تنها این امور رعایت نمی‌شود، بلکه این جنایتکاران بی رحم و سنگدل، خانه‌های مردم فلسطین را ویران، بیمارستانهای آنها را بر سر بیمارانش خراب، و مزارع را به آتش کشیده، و درختان را نابود می‌نمایند، و به کوچک و بزرگ، پیر زن و پیر مرد ترحّم نمی کنند؛ و با این حال، مدّعیان حقوق بشر از آنها آیین رحمت، ص: ۳۸ دفاع، و ما را متّهم به خشونت می نمایند!

۳- رحمت اسلامی و سایر جانداران!

رأفت و رحمت اسلامی نه تنها تمام انسانها را- باقطع نظراز کیش وآیین آنها- شامل می‌شود، بلکه سایر موجودات وجانداران را نیز در بر می گیرد! بر همین اساس در تعالیم اسلامی، روایاتی «۱» وجود دارد که پیرامون حقوق حیوانات سخن می گوید، به یک نمونه آن اشاره می کنیم، تا هر چه بیشتر با گستره رحمت و محبّت اسلامی آشنا شویم: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای چهارپایان شش حق بیان فرموده، «۲» که صاحبان این حیوانات باید این حقوق را محترم بشمارند، و آن را رعایت کنند: «يَبْدَءُ بِعَلَفِها اذا نَزَلَ»؛ هنگامی که به منزل می‌رسد، اوّل به سراغ آب و غذای حیوان برود؛ آن را سیراب کند و غذایش دهد؛ سپس به فکر غذای خویش باشد. «وَ يَعْرِضُ عَلَيْهَا الْماءَ اذا مَرَّ بِهِ ؛ به هنگام سفر و در بین راه، هر جا به نهر آبی رسید، حیوان آیین رحمت، ص: ۳۹ را به کنار آب ببرد (تا اگر تشنه بود آب بخورد). «وَ لايَضْرِبُ وَجْهَها فَانَّها تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّها»؛ (اگر می‌خواهد حیوان با سرعت بیشتر حرکت کند) با تازیانه بر سر و صورتش نزند؛ زیرا حیوانات نیز به ذکر و تسبیح خداوند مشغول هستند، و سزاوار نیست بر سر و روی حیوانی که تسبیح خدا می گوید تازیانه زده شود. «۱» «وَ لايَقِفُ عَلى ظَهْرِها الّا فی سَبِيلِ اللَّهِ»؛ بر پشت حیوانِ متوقّف، سوار نگردد، مگر در راه خدا (مثلًا در میدان جنگ، که در آنجا سوار بودن بر حیوان در حال توقّف هم اشکالی ندارد، چون اگر به خاطر رعایت حال حیوان پیاده شود، احتمال غافلگیری توسّط دشمن می‌رود). «وَلا يَحْمِلُها فَوْقَ طاقَتِها»؛ حیوانات هم قدرت و تحمّل محدودی دارند، باید توانایی حیوان را در نظر بگیرد، و بیش از توانش بر او حمل نکند. «وَ لا يُكَلِّفُها مِنَ الْمَشْيِ الّا ما تُطيقُ»؛ نه تنها در مورد بارکشی، بلکه در طیّ مسافتها و سفرها نیز باید مراعات حیوانات را نمود، و به اندازه طاقت و تحمّلشان از آنها سواری گرفت. آیین رحمت، ص: ۴۰ این امور، دستورات ظریفی است که در دنیای امروز به آن عمل نمی‌شود و کسی به آن توجّهی نمی کند، بلکه بسیاری قدرت درک و تحلیل آن را ندارند؛ امّا آیین رحمت گستر اسلام به تمام این ریزه‌کاریها توجّه دارد و پیراوانش را به آن دعوت می کند. آیا چنین آیین مقدّسی، آیین خشونت است؟

۴- دعاهای مسلمانان برای همه انسانها!

دعاهایی که در ماه مبارک رمضان بعد از نمازهای واجب زمزمه می‌شود، و عطر آن تمام مساجد و مراکز عبادی مؤمنان را در سراسر جهان فراگرفته، نشانه‌ای دیگر از رحمت و عطوفت اسلامی است. بدین شکل که مسلمانان برای رفع مشکلات همه انسانها (نه فقط مسلمانها) دست نیاز به سوی آن احد بی نیاز دراز می کنند. یک بار دیگر بخشی از این دعاها را مطالعه و بررسی کنیم: «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلى اهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورِ»؛ خداوندا! بر تمام مردگان شادی و سرور نازل کن! «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقيرٍ»؛ خداوندا! تمام نیازمندان و محتاجان جامعه انسانی را بی نیاز کن! «اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جائِعٍ»؛ خداوندا! تمام گرسنگان جهان را سیر بگردان! «اللَّهُمَّ

اکْسُ کُلَّ عُرْیانٍ»؛ خداونـدا! همه برهنگان عالم را بپوشان! آیین رحمت، ص: ۴۱ «اللَّهُمَّ اقْضِ دَیْنَ کُلِّ مَدینٍ»؛ خداونـدا! وام همه وامداران جهان هستی را ادا کن! «اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ کُلِّ مَکْروبٍ»؛ خداوندا! گره از کار همه اندوهناکان باز فرما! «اللَّهُمَّ رُدَّ کُلَّ غَریبٍ»؛ خداونـدا! تمـام دور از وطنـان را (سالم) به اوطانشان باز گردان! «اللَّهُمَّ فُکَّ کُلَّ اسیرٍ»؛ خداونـدا! تمام اسـیران را (در هر کجای دنیا هسـتند) آزاد فرمـا! «اللَّهُمَّ اشْفِ کُلَّ مَریضٍ»؛ خداونـدا! همه بیماران را شـفا ده! حقیقتاً انسان از این رحمت گسترده اسـلامی لـذّت می‌برد، و بر این سـعه صـدر مسـلمین، آفرین می گویـد، و از این که بیشترین دعاهـای مسـلمین جهـانگیر و عـام است و شامـل تمـام انسانهـای نیازمنـدِ دعا، با هر نوع گرایش فکری می گردد، خوشوقت می‌شود. آیا این دعاهای جالب و عام و فراگیر، نشانه رحمت و عطوفت اسـلامی نیست؟! آیا هیـچ انسان بی غرض و با انصافی به خود اجازه می‌دهـد که چنین آیینی را آئین خشونت معرّفی کنـد! آیین رحمت، ص: ۴۳

فصل چهارم

محبّت و رحمت اسلامی در سیره پیشوایان دین

اشاره

سیره عملی، و رفتار و معاشـرتهای اجتماعی بزرگان دینی و رهبران و پیشوایان اسلامی، مملوّ از رحمت و عطوفت و محبّت با پیروان خویش، بلکه با دشمنان اسلام است! به ذکر دو نمونه بسنده می‌شود:

۱- ریزش رحمت پیامبر صلی الله علیه و آله پس از فتح مکّه

برخورد پیامبر صـلی الله علیه و آله با دشـمنانش پس از فتح مکّه یک نمونه از این سیره عملی است؛ برخورد آن حضرت را بصورت فشـرده نقل نموده، سپس آن را با برخورد غربیهای مـدّعی تمـدّن با دشـمنانشان، پس از جنگ جهانی دوم مقایسه می‌نماییم: پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله سـیزده سـال قبل از هجرت به مـدینه، در مکّه مکّرمه بسـیار آزار دیـد، به گونه‌ای که مکّه یادآور آلام و مصـیبتها و نامردمیها و مشـکلات و گرفتاریهای فراوانی برای آن حضـرت بود؛ چرا که سرسـخت‌ترین دشـمنان آن حضـرت در مکّه بودند؛ ولی هنگامی که سپاه اسلام مکّه را فتح کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن دشمنان لجوج و عنود، که منشأ آیین رحمت، ص: ۴۶ تمام مصیبتها و مشکلات بودند پیروز شد، با یک جمله زیبا همه آنها را مشمول عفو و رحمت اسلامی قرار داد و خطاب به آنها فرمود: «اذْهَبُوا انْتُمُ الطُّلَقاء»؛ تمام شـما آزادید، به هر کجا مایلید بروید! حتّی وقتی خبر دادند که یکی از سربازان اسلام پرچمی به دست گرفته، و شـعار انتقام جویی سر می‌دهد، حضـرت ناراحت شد، و پرچم را از دست آن سرباز گرفت و به جای شعار انتقام، شعـار صـلح و دوستی سـرداد: «الْیَوْمَ یَوْمُ الْمَرْحَمَةِ»؛ امروز روز رحمت و محبّت است! امّا هنگامی که سـربازان متّفقین وارد پایتخت آلمـان (برلین) شدنـد، قتـل و عـام عجیبی به راه انـداخته، و مرتکب جنایـات فراوان و بی‌شـماری شدنـد، به عنـوان نمونه، بچّه‌هـای شیرخوار قنداقه‌ای را به آسمان پرتاب کرده، و در وسط زمین و آسمان با شلیک گلوله آنها را کشتند! و اکنون نسل همان جانیان به دور از عـاطفه، در فلسـطین اشـغالی هر روز جنایت تازه‌ای می‌آفریننـد، جنایاتی که قلم از بیان آن شـرم می کنـد، و گاه انسان طاقت دیدن و شنیدن آن را ندارد! آیا ما اهل خشونتیم، یا این متمدّن نماهای بی تمدّن!

۲- علی علیه السلام و سفارش برای قاتلش!

نمونه دیگر، برخورد حضرت علی علیه السلام با قاتل خویش، عبدالرّحمن بن ملجم مرادی، است. آن حضرت به تبع دستورات دینی

آنقـدر رحیم و مهربان بود که حتّی دشـمنش و کسـی که به قصـد کشـتن بر او شمشـیر زده بود، نیز از رحمتش بی نصـیب نگردید. بـدین جهت سـفارش‌های آن امام رؤوف از لحظه دسـتگیری آن موجود پست آغاز می گردد و تا دم مرگ ادامه می‌یابـد: فرزندانم! قاتل من فقط ابن ملجم است، مبادا پس از من عـدّه‌ای سودجو و فرصت طلب، شمشـیرهایشان را از نیام برکشـند، و به جان مردم بی گنـاه بیفتنـد، و خون آن‌هـا را به بهـانه این که اینهـا بـا قاتل علی همـدست بوده‌انـد، بریزنـد و در لباس این شـعار مقـدّس به تصـفیه حسابهای شخصـی خود بپردازند! عزیزانم! از همین غذایی که برای من تهیّه می کنید، به قاتلم نیز بدهید! نور چشـمانم! اگر من زنده ماندم خود می‌دانم با قاتلم چه کنم، و اگر به ملاقات خدا نائل شدم شـما حق دارید قصاص کنید، ولی همانگونه که او یک ضـربت شمشـیر بر من وارد کرد، شـما هم بیش از یک ضـربت بر او نزنیـد! فرزنـدان رسول خـدا! پس از مرگ، بدنش را قطعه قطعه نکنید! آییـن رحمت، ص: ۴۸ اینها سـفارشاتی است که علی علیه السـلام در بستر مرگ نسبت به قاتل خویش بیان می کنـد. آیا در سراسـر جهان و در طول تاریخ، هیچ یک از رؤسای کشورها را سـراغ دارید که به نفع قاتل خویش این گونه سـفارش کند! آیا اسـلامی که جانشنین پیامبرش اینقدر رؤوف و مهربان است، آیین خشونت است!

فصل پنجم

سؤالها و ایرادها

اشاره

پس از ایـن که رحمت و رأفت اسـلامی را در آیینه آیـات قرآن، و روایـات معصومـان علیهم السـلام و سـیره پیشوایـان دین مطـالعه کردیم، و بـا تمـام وجود تصـدیق نمودیم که دین مقـدّس و هماهنگ با فطرت بشـری اسـلام، آئین محبّت و رحمت است و نه آئین خشونت، لازم است به بررسی مسائلی که دستاویز دشمنان اسلام گشته، و آنها را نشانه وجود خشونت در اسلام می‌دانند، بپردازیم:

۱- آیا قانون قصاص مظهر خشونت دینی است؟

چرا اسـلام قـانون قصـاص را تصویب کرد؟ آیـا قصاص نوعی خشونت نیست؟ آیا گرفتن جان یک انسان، هر چنـد گناهکار باشـد، خشـونت محسـوب نمی‌شـود؟ در پاسـخ به این سـؤال توجّه به نکـات دقیقی لازم است که توجّه به آن، شـبهه را حـل، و اشـکال را برطرف می کنـد: آییـن رحمت، ص: ۵۲ نکتـه اوّل- خداونـد پس از بیـان قـانون قصـاص در آیـه ۱۷۸ سـوره بقره، می‌فرمایـد: «اگر قصاص نکنیـد، و جانی را مورد عفو و بخشـش قرار دهیـد، بهتر است.» یعنی قصاص واجب نیست، بلکه مستحب هم نمی‌باشـد؛ امّا برای جلوگیری از جنـایت جنایتکاران و تکرار موارد مشابه، این حق به اولیاء مقتول داده شـده، و آنها مجاز به این کار هسـتند؛ ولی قصاص نه واجب است و نه مسـتحب. (دقّت فرمایید) نکته دوم- در آیه ۱۷۹ همان سوره، فلسفه قصاص را ادامه زندگی و حیات، و حمایت از زندگان بیان فرموده است، نه کینه و عداوت و انتقامجویی. اگر بر قاتل شروری که جان و مال و ناموس مردم در نظر او هیچ ارزش و احترامی ندارد، ترحّم شود، و رحمت اسـلامی او را فرا گیرد، و او با سوء استفاده از این رحمت و رأفت، روز به روز به جنایـات گسترده‌تری دست بزنـد، آیـا این کـار ترحّم بر پلنـگ تیز دنـدان و خیانت در حقّ گوسـفندان نمی‌باشـد! برخورد با اراذل و اوبـاش جـامعه، که هیـچ راه دیگری برای جلوگیری از شـرّ آنهـا جز قصاص باقی نمانـده، خشونت نمی‌باشـد. بلکه مصـداق روشن رحمت است، تا دیگران بتواننـد با آرامش به زنـدگی خویش ادامه دهند. «۱» آیین رحمت، ص: ۵۳ جالب است که صدای اعتراض مدّعیان رأفت و رحمت، و منادیان حقوق بشـر، به هنگام اجرای قصاص این انسانهای جنایتکار سراسـر جهان را پر می کند؛ امّا زمانی که دوستان جنایتکار آنها در فلسطین، افغانستان، بوسنی‌هرزگوین، چچن، جنوب لبنان، عراق و دیگر نقاط دنیا هولناکترین

جنایات را مرتکب می‌شوند، هیچ صدای اعتراضی از آنها بلند نمی‌شود. گویا همه آنها کر و کور و خواب هستند! اگر انگشت دست بیماری فاسد گردد، و طبیب حاذق و دلسوز تمام سعی خویش را برای درمان و بهبودی آن به کار گیرد، و موفّق بر این کار نگردد، و چاره‌ای جز قطع آن برای حفظ سایر انگشتان و جلوگیری از سرایت بیماری به قسمتهای دیگر بدن نداشته باشد، و آن را قطع کند، آیا چنین طبیبی خشونت طلب است! آیا مقتضای رحمت و عطوفت این است که این عضو فاسد به حیات خود ادامه دهد و بتدریج سایر اعضای بدن را نیز فاسد کند، و حتّی پیام‌آور مرگ برای تمام اعضای کشور تن باشد! آیا هیچ عقل و منطقی این نوع تفکّر را می‌پسندد! نتیجه این که، قصاص نوعی درمان است و برای جلوگیری از سرایت فساد به سایر اعضای جامعه، و حفظ امنیّت و ایمنی دیگر اعضا، ضروری و لازم است. و با این تحلیل، قانون قصاص نه تنها خشونت محسوب نمی‌شود، بلکه با توجّه به مصلحت کلّ جامعه، شعبه‌ای از آیین رحمت، ص: ۵۴ رحمت و رأفت الهی محسوب می گردد. (دقّت کنید) تصوّر نمی کنیم هیچ انسان عاقلی- هر چند تابع دین مقدّس اسلام نباشد- معتقد باشد که افراد شرور و قاتل و کسانی که با قتل و غارت، امنیّت جامعه را به خطر می‌اندازند، و به هیچ کس رحم نمی کنند، و پایبند به هیچ اصلی از اصول دینی و انسانی نیستند، در جامعه آزادانه رفت و آمد کنند و مرتکب هر جنایتی شوند؛ بلکه تمام عقلای دنیا قصاص را به عنوان آخرین درمان این اعضاء فاسد اجتماعی می‌پذیرند، و از آن استقبال می کنند.

۲- آیا حدود اسلامی با رأفت و رحمت دینی سازگار است؟

اشاره

از جمله اموری که بهانه گیران آن را دستاویز قرار داده‌اند، «حدود و تعزیرات اسلامی» است. آنها می گویند: چگونه حدود و تعزیرات اسلامی با رحمت و رأفت سازگاری دارد؟ آیا نواختن صد ضربه تازیانه بر بدن شخص که مرتکب گناهی شده، خشونت نیست؟ آیا سنگسار کردن مرد یا زنی که بر اثر غلبه هوی و هوس، لحظه‌ای از جاده عفّت خارج گشته، با عطوفت اسلامی سازگار است؟ آیا بریدن دست و پاهای سارقان و دزدان، با رحمت دینی می‌سازد؟ آیا مجازاتهای غلیظ و شدید، نوعی خشونت محسوب نمی‌شود؟ پاسخ: نکته‌های ظریفی در گوشه و کنار احکام «حدود و تعزیرات» به چشم می‌خورد که به ما در پاسخ این سؤالات کمک می کند، و با دقّت و مطالعه در آن نکات روشن می‌شود که حدود و تعزیرات نیز چشمه‌ای آیین رحمت، ص: ۵۶ دیگر از رحمت و عطوفت اسلامی است- هرچند ظاهر آن برای عدّه‌ای در برخورد اوّلیه خشونت‌آمیز به نظر می‌رسد.

اوّل: بررسی فلسفه حدود و تعزیرات

روایاتی در مورد فلسفه اجرای حدود و تعزیرات وجود دارد که مطالعه آنها به ما بینش تازه‌ای در باره این مجازتهای اسلامی می‌دهد. به دو نمونه آن توجّه کنید: ۱- پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «اقامَةُ حَدٍّ خَيْرٌ مِنْ مَطَرِ ارْبَعينَ صَباحاً» «۱»؛ اجرای هر نوع حدّ یا تعزیری (به هر مقدار که باشد) از بارش چهل شبانه روز باران بهتر است. همانگونه که ملاحظه می‌فرمایید حدود و تعزیرات در این روایت نبوی به باران تشبیه شده، و اجرای کمترین مقدار آن از چهل روز باران بهتر شمرده شده است؛ مفهوم این روایت این است که همانطور که باران، رحمت «۲» پروردگار است و خداوند آن را بر اهل زمین نازل و منتشر می‌نماید، حدود الهی نیز نوعی رحمت الهی است. حقیقتاً اجرای مجازاتهای اسلامی همچون باران جامعه را شستشو می‌دهد و اجتماع را از آلودگیها پاك می کند. آیین رحمت، ص: ۵۷ به عنوان نمونه، اگر شخصی باعث سلب امنیّت عمومی از جامعه شود و بر جان و مال و ناموس مردم هجوم برد، به گونه‌ای که رعب و وحشت قسمتی از جامعه را فراگیرد، محارب خواهد بود و اجرای حدّ محارب بر

این شخص ضامن ثبات امنیّت در جامعه است و همچون باران، رعب و وحشت و ناامنی حاصل از جنایات او را از فضای جامعه می‌شوید. کسانی که در یک جامعه اسلامی دست به تولید و پخش مواد مخدّر می‌زنند، و با این جنایت بزرگ جوانان آن کشور را نابود می‌کنند، و برای رسیدن به منافع و مطامع خویش کشور را به فساد می‌کشند، باید به عنوان مفسد فی الارض مجازات شوند. تا با دفع آفت، زمینه رشد فراهم گردد. آیا حدود اسلامی که تشبیه به باران رحمت الهی شده، خشونت نامیده می‌شود! ما معتقدیم که چنین افراد و گروههایی که مستحقّ مجازات‌های اسلامی هستند، اگر مشمول این مجازاتها نشوند خداوند آنها را رها نخواهد کرد، و همان عوارض و ناملایماتی که سوغات کارهای فاسد آنها بوده، دامنگیر خود آنها خواهد شد. ۲- امام هفتم شیعان، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، در تفسیر آیه شریفه «یُحْیِ الْاَرْضَ بَعْدِ مَوْتِها» «۱» می‌فرماید: «لَیْسَ یُحْیِیْهَا بِالْقِطَرِ، وَ لکِنْ یَبْعَثُ اللَّهُ رِجالًا فَیُحْیُونَ آیین رحمت، ص: ۵۸ الْعَدْلَ فَتُحْیِی الْاَرْضَ لِاِحْیاءِ الْعَدْلَ، وَ لَاِقامَةُ الْحَدِّ فیهِ انْفَعُ فِی الْاَرضِ مِنَ الْقِطَرِ ارْبَعینَ صَباحاً» «۱»؛ منظور (فقط) این نیست که زمین‌های خشک را با بارانهای پر برکت زنده می‌کند، بلکه منظور این است که خداوند مردانی (بزرگ و مخلص و بلند همّت را) مبعوث می‌کند، که آنها عدالت را در جهان زنده می‌کنند، و زمین بر اثر زنده شدن عدالت احیاء می‌گردد؛ و بدون شک اقامه و اجرای حدود و تعزیرات بر روی زمین، پر منفعت‌تر است از این که چهل شبانه روز بر آن باران ببارد. توجّه می‌کنید در این روایات، که فلسفه اجرای حدود را بیان می‌کند، سخنی از انتقام و خشونت و مانند آن نیست؛ بلکه سخن از محبّت و رحمت و اقامه عدل و سیراب کردن جامعه اسلامی و مانند آن است.

دوم: راههای اثبات حدود شرعی

مطالعه چگونگی اثبات حدود شرعی، جلوه‌های دیگری از رحمت و رأفت اسلامی را در آئینه حدود و مجازاتهای اسلامی به نمایش می‌گذارد. بسیاری از حدود با چهار شاهد، یا چهار بار اقرار ثابت می‌شود؛ بدین معنی که باید چهار نفر انسان عادل شهادت دهند فلان زن و مرد را در حال انجام عمل منافی عفّت دیده‌اند، تا بتوان حدّ شرعی بر آنها جاری کرد. آیین رحمت، ص: ۵۹ آیا چنین امری امکان‌پذیر است! ما در روایات و کتابهای تاریخ، حتّی یک مورد نیافتیم که عمل منافی عفّت با شهادت شهود ثابت شده باشد، تا بر اساس آن، حد جاری شود. بنابراین، راه فوق عملًا بسته است و این خود نوعی رحمت اسلامی محسوب می‌شود، که شامل این نوع گنهکاران گردیده است. راه دیگر، که اقرار خود گناهکار است، شرایط متعدّدی دارد. از جمله این که باید چهار بار اقرار کند، و هر اقرار در مجلس جدا گانه‌ای باشد، به طوری که اگر در یک مجلس چهار بار اقرار کند، یک مرتبه محسوب می‌شود! «۱» علاوه بر این، اگر مجرم قبل از اثبات جرمش نزد حاکم شرع توبه کند، و از کار خود نادم و پشیمان گردد، و آثار ندامت و پشیمانی در افعال و کردارش ظاهر گردد، اجرای حد بر او مشکل است! «۲» این مطالب در روایات متعدّدی آمده که به یک نمونه آن اشاره می‌شود، تا شاهد رأفت و رحمت اسلامی جانشین حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله با مجرمی که با پای خویش به پشت میز محاکمه آمده بود، باشیم: «زن آلوده‌ای خدمت حضرت علی علیه السلام رسید، و از آن حضرت خواست که با اجرای حدّ زنا بر وی، او را از آلودگی پاک کند؛ زیرا عذاب دنیا از مجازات مداوم و قطع نشدنی جهان آخرت آسان‌تر است! حضرت آیین رحمت، ص: ۶۰ فرمود: برو، پس از وضع حمل بیا، تا تو را پاک کنم. زن رفت و پس از زایمان بازگشت و تقاضای خویش را تکرار کرد؛ حضرت پس از طرح سؤالات متعدّد (به امید آن که شاید زن را منصرف کند و او را در آنچه می‌گوید به تردید بیندازد) فرمود: برو بچّه‌ات را شیر بده و پس از تمام شدن دوران شیرخوارگی‌اش بیا تا تو را پاک کنم. زن بازگشت و پس از دو سال برای بار سوم خدمت حضرت رسید و تقاضای خویش را تکرار کرد. حضرت بار دیگر سؤالهای مختلفی مطرح کرد و زن پاسخ داد؛ حضرت در نهایت فرمود: برو بچّه‌ات را بزرگ کن، تا بتواند خودش را از خطرات روزانه حفظ کند، سپس نزد ما بیا تا تورا پاک کنیم. زن در حالی که اشک می‌ریخت بازگشت و ... «۱»» ملاحظه می‌کنید ثابت شدن جرمی که حدّ شرعی دارد سهل

و ساده نیست، و تا زمانی که مجرم خود خواهان اجرای حد نباشد طبعاً نمی‌توان جرم وی را ثابت کرد، و این خود نشانگر رأفت اسلامی است. اگر اسلام آئین خشونت باشد، آیا برای اثبات جرم این قدر سخت گیری می کند!

سوم: آداب اجرای حدود شرعی

بر فرض که حدّی ثابت شود، و حاکم شرع تصمیم بر اجرای آن بگیرد، در چگونگی اجرای آن، به آداب و دستوراتی برخورد می کنیم که مشحون آیین رحمت، ص: ۶۱ از رحمت و رأفت اسلامی است؛ به نمونه‌هایی از این آداب فهرست وار اشاره می کنیم: ۱- در ابتدا و انتهای روزهای زمستانی، که هوا بسیار سرد است و تازیانه مجرم را آزار فراوان می‌دهد، نباید حد اجرا شود، بلکه باید در میانه روز که هوا گرمتر است اجرا گردد! ۲- در فصل تابستان باید بر عکس عمل شود، در وسط روز که هوا بسیار گرم است حد اجرا نگردد! بلکه در پایان روز انجام شود. «۱» ۳- مجرم به هنگام دریافت تازیانه نباید خوابیده باشد، بلکه باید نشسته یا ایستاده باشد. زیرا ضربات تازیانه در این دو حالت آهسته‌تر نواخته می‌شود، و مجرم درد کمتری را تحمّل می کند! «۲» ۴- اگر مجرم بیمار است تا زمان بهبودی‌اش اجرای حد به تأخیر می‌افتد! «۳» ۵- اگر باردار است تا زمان وضع حمل تأخیر می‌افتد! «۴» و دیگر آدابی «۵» که همگی نشانگر نهایت رأفت اسلامی حتّی در حقّ یک انسان گنهکار است؛ مشروح آن در کتابهای فقهی آمده است. توجّه به نکات سه گانه فوق، یعنی فلسفه حدود، راههای اثبات آیین رحمت، ص: ۶۲ مجازاتهای اسلامی، و آداب اجرای حدود و تعزیرات، و اندیشه و تفکّر در ظرایف و ریزه کاریهای موجود در آن، هر انسان منصف و به دور از پیشداوری را، وادار به اعتراف می‌نماید که: رأفت و رحمت اسلامی حتّی در حدود و تعزیرات، که ظاهری خشونت‌آمیز دارد، موجود است. بدین جهت اجرای مجازاتهای اسلامی برای جامعه، بسیار بابرکت و منشأ خیرات فراوان خواهد بود. به گونه‌ای که برکات آن، از برکات بارانهای پی در پی چهل شبانه روز هم افزونتر است!

۳- جهاد و رحمت اسلامی!

اشاره

چرا اسلام، که آن را آئین رحمت معرّفی می کنید، جهاد را تشریع کرده، و به مسلمانان اجازه می‌دهد به دیگران هجوم ببرند، و آنها را به قتل برسانند؟ آیا جنگ خشونت نیست؟ اگر خشونت است، چرا تجویز شده است؟ برای پاسخ به این سؤال، لازم است دیدگاه قرآن مجید را پیرامون جهاد به دست آوریم، تا معلوم شود که آیا جهاد اسلامی نوعی خشونت است، یا با رحمت اسلامی سازگار می‌باشد؟ برای این منظور کافی است آیاتی از قرآن را مورد مطالعه قرار دهیم:

اوّل و دوم: آمادگی نظامی برای جلوگیری از جنگ

به آیات ۶۰ و ۶۱ سوره انفال توجّه کنید: «وَ اعِدُّوا لَهُمْ مَااسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ»؛ ای مسلمانان! هر نوع نیرو و توانی دارید (اعم از توانایی‌های اقتصادی، نظامی، تبلیغاتی، اجتماعی و مانند آن) برای مقابله آیین رحمت، ص: ۶۴ با دشمنان آماده سازید. «تُرْهِبُونَ بِه عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»؛ امّا نه برای هجوم به دشمن و آغاز جنگ توسّط شما، بلکه برای این که فکر جنگ را از سر دشمن خارج سازید، و با آمادگی بالای شما اندیشه جنگ در نطفه خفه شود. در حقیقت اسلام می‌خواهد با ایجاد آمادگی عالی مسلمانان، ریشه جنگ را بخشکاند و زمینه درگیری و خونریزی را از بین ببرد؛ اسلام می گوید: «قوی ونیرومند و پرقدرت باش، تا

دشـمن حتّی فکر جنگ و حمله را در سر نپروراند». آیا چنین آئینی، آئین خشونت است؟ در آیه بعد می‌خوانیم: «وَ انْ جَنَحُوا لِلسِّلْمِ فَاجْنَحْ لَها وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ انَّهُ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ»؛ اگر دشـمن دست به حمله زد و با توان بالای نظامی شـما روبرو شد، و پرچم صلح را برافراشت، و تقاضای صـلح و آشتی کرد، شما نیز از درِ صلح در آیید وبا آنها پیمان صلح ببندید. چرا که هدف اسلام درگیری و خشونت و جنگ و خونریزی نیست، و اکنون که دشمن از کار خود پشیمان گشته و آماده صلح و آشتی است، جنگ را رها کنید و آتش‌بس را بپذیرید. خلاصه این که، بینش اسلام در مورد جنگ، یک تفکّر پیشگیرانه آیین رحمت، ص: ۶۵ است و اگر مؤثّر نشد و جنگ رخ داد، از هر فرصت مناسبی برای قطع جنگ بهره می‌جویـد. بـدین جهت، اسـلام به سـربازانش اجازه آغاز هیچ جنگی را نداده، و در تمام جنگهای اسـلامی گلوله اوّل را دشـمن شلیک کرده است. آیا این دیدگاه در مورد جهاد، آمیخته با خشونت است، یا نهایت رأفت و رحمت!

سوم: محدوده جهاد و آداب آن

در آیه شریفه ۱۹۴ سوره بقره نیز می‌خوانیم: «فَمَنِ اعْتَدی عَلَیْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدی عَلَیْكُمْ واَ تَّقُو اللَّهَ وَ اعْلَمُوا انَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقینَ»؛ طبق آنچه در این آیه شـریفه آمده اوّلًا: تنها در مقابل کسانی که به مقابله و مبارزه با شما اقدام می‌کنند، اجازه جنگ داده شـده است؛ ثانیاً: در هجوم بر آنها بایـد به اندازه‌ای که شـرّ و ظلم آنها دفع می‌شود قناعت کنید و پا را فراتر نگذارید؛ و ثالثاً: تقوا و خویشـتنداری را، حتّی در میـدان جنـگ و خونریزی، از دست ندهیـد و بدانیـد که خداونـد با تقوا پیشه‌گان است. در حقیقت قانون جهاد اسـلام چیزی است که همه عقلای جهان آن را قبول دارنـد، و به آن عمل می‌کنند. آیا هیچ عاقلی اجازه می‌دهد که انسان در مقابل هجوم دشـمن تسلیم شود، تا مسلّط بر جان و مال و ناموس او گردد؟ هرگز! بلکه تمام عقلای همان منطق بازدارنـده قرآن را توصیه می‌کنند.

چهارم: ترک جهاد مساوی با ویرانی عبادتگاههاست؟

خداوند متعال در آیه شـریفه ۴۰ سوره حـج، یکی از فلسـفه‌های جهـاد را چنین بازگو می‌کنـد: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَـهُمْ بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيراً وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ اگر خداوند از مؤمنان دفاع نکند، و از طریق اذن جهاد بعضی را به وسیله بعضی دفع ننماید، دیرها و صومعه‌ها و معبدهای یهود و نصارا و مساجدی که نام خـدا در آن بسـیار برده می‌شود ویران می‌گردد. آری اگر افراد بـا ایمـان و غیور دست روی دست بگذارنـد، و تماشـاچی فعالیّتهای ویرانگرانه طاغوتهـا و مسـتکبران وافراد بی‌ایمان و سـتمگر باشـند، و آنها میـدان را خالی ببیننـد، اثری از معابـد و مراکز عبادت الهی نخواهنـد گـذارد. چرا که معبـدها جای بیـداری است، و محراب میـدان مبارزه و جنگ است، و مسـجد در برابر خودکامگان سـنگر است، واصولًا هرگونه دعوت به خـداپرستی بر ضـدّ جبّارانی است که می‌خواهنـد مردم همچون خدا آنها را بپرسـتند! و لذا اگر آنها فرصت پیـدا کنند تمام این مراکز را با خاک یکسان خواهند کرد. جالب اینکه طبق آنچه در آیه مورد بحث آمده، جهاد اسـلامی نه تنها ضامن بقای عبادتگاههای اسلامی است، بلکه در سایه آن، عبادتگاههای تمام ادیان الهی حفظ می‌شود.

۴- جهاد ابتدائی

اشاره

سؤال: آنچه گفتید در مورد جهاد دفاعی اسلام صحیح و مورد قبول، و ما نیز معترفیم که جهاد دفاعی خشونت محسوب نمی‌شود، بلکه هماهنگ با رحمت و رأفت اسلامی است؛ امّا آیا جهاد ابتدایی که بدون حمله طرف مقابل انجام می‌شود، نیز هماهنگ با رحمت اسلامی است؟ و نوعی خشونت تلقّی نمی‌گردد؟ پاسخ: از این سؤال به دو شکل می‌توان پاسخ گفت. توجّه کنید:

پاسخ اوّل: آیا اسلام جهاد ابتدایی دارد؟

برخی از محقّقان و اندیشمندان و مورّخان اسلامی معقدند که در اسلام جهاد ابتدایی نداریم، و تمام جنگهای زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در صدر اسلام جنبه دفاعی داشته است؛ یعنی، حمله از سوی دشمنان بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان به دفاع از خویش بر می‌خاستند. مثلًا در «جنگ احزاب» که یکی از گسترده‌ترین نبردهای دشمنان آیین رحمت، ص: ۶۸ اسلام علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان بود، و کار بر خداپرستان سخت شد، آغازگر جنگ، مشرکان بودند. آنها از نقاط مختلف سرزمین حجاز، به فرماندهی مشرکان مکّه به سمت مدینه حرکت کرده و آن شهر را محاصره نمودند. مسلمانان ناچار بودند از جان و مال و ناموس و عقاید خویش دفاع کنند. آیا هیچ عاقلی به خود اجازه می‌دهد که در مقابل دشمنان تا دندان مسلّح (که قصد داشتند پیامبراسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان را به قتل برسانند و زنان و بچّه‌های آنان را اسیر کنند و مدینه را ویران نمایند) ساکت بنشیند؟ آیا مقابله با آنها خشونت محسوب می‌شود؟ در «جنگ حُنین» به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند که «قبیله هوازان» و برخی دیگر از مشرکان، قصد حمله بر مدینه، پایگاه اصلی مسلمانان، را دارند. پیامبر مسلمانان را برای دفاع از خود و آئینشان آماده کرد و جنگ حنین بدین شکل رخ داد. در میان جنگ‌های صدر اسلام، شاید تصوّر شود «جنگ خیبر» جهاد ابتدایی بوده است؛ ولی مطالعه تاریخ نتیجه دیگری در اختیار ما می‌نهد، و روشن می‌کند که آن هم دفاعی بوده است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله قصد داشت با این جهاد پاسخ دندانشکنی به کارشکنیها و توطئه‌ها و شیطنتهای آنها، که در بیشتر حوادث بطور مستقیم یا غیر مستقیم دخالت داشتند، بدهد؛ علاوه بر این که، خیبر کانون فساد و فتنه محسوب می‌شد، و مسلمانان با حمله به آنجا قصد از بین بردن مرکز فتنه و فساد را داشتند. بنابراین، جنگ خیبر هم جهاد ابتدایی نبوده است. آیین رحمت، ص: ۶۹ همانگونه که «جنگ بدر» نیز چنین بود. در سال دوم هجرت، دو حادثه به نام جنگ بدر رخ داد، که یکی به «بدر صغری» و دیگری به «بدر کبری» معروف شد، و آغاز آن توسّط دشمنان اسلام بود. به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خبر رسید که عدّه‌ای از سران مشرکان مکّه به اطراف مدینه آمده و شتران و گوسفندان و سایر اموال مسلمانان را به تاراج برده، در حال فرار به سوی مکّه هستند. پیامبر صلی الله علیه و آله سربازان اسلام را به تعقیب آنها فرستاد. سربازان، دشمن را تا سرزمین بدر تعقیب کردند، ولی از دست یافتن به دشمن ناامید شدند. این حادثه بدون درگیری پایان یافت، و به «بدر صغری» مشهور شد. جنگ «بدر کبری» که پس از چندی در همان سال رخ داد، در حقیقت پاسخی به همان تجاوز آشکار سران مکّه بود و جهاد دفاعی محسوب می‌شد. «فتح مکّه» یکی از لشکرکشی‌های مهمّ پیامبر اسلام بود؛ امّا اوّلًا، این لشکرکشی برای متلاشی کردن کانون دشمنان اسلام و مشرکان بود، که تمام مشکلات و ناملایمات و جنگهای مسلمانان را از آنجا هدایت می‌کردند؛ و ثانیاً، در فتح مکّه جنگی رخ نداد، و هنگامی که مشرکان سپاه عظیم و لشکر بزرگ مسلمانان را مشاهده کرده، و خود را در محاصره مسلمانان دیدند، بدون جنگ و درگیری تسلیم شدند. خلاصه اینکه، طبق عقیده این گروه از محقّقان و اندیشمندان و مورّخان اسلامی، تمام جنگهای صدر اسلام جهاد دفاعی بوده، و هیچ کدام جنبه جهاد ابتدایی نداشته است. آیاتی از قرآن مجید نیز اشاره بلکه دلالت آیین رحمت، ص: ۷۰ بر مطلب فوق دارد؛ از جمله در آیه سیزدهم سوره توبه می‌خوانیم: «الا تُقاتِلُونَ قَوْمَاً نَکَثُوا ایْمانَهُمْ وَ هَمُّوا بِاخْراجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَءُوکُمْ اوَّلَ مَرَّةٍ»؛ آیا شما با جمعیّتی که به عهد و پیمان خویش وفا نمی‌کنند، و عهد شکنی می‌نمایند و تمام سعی و تلاش خویش را برای نابودی پیامبر صلی الله علیه و آله و تبعید او به کار می‌گیرند، و آغازگر جنگ علیه شما هستند، پیکار نمی‌کنید! جمله «هُمْ بَدَءُوکُمْ اوَّلَ

مَرَّةٍ» شاهد خوبی است بر این که جنگهای صدر اسلام جنبه دفاعی داشته و جهاد ابتدایی نبوده است. آیه چهارم سوره توبه از دیگر آیاتی است که مطلب فوق را تأیید می‌کند؛ خداوند متعال پس از برائت و بیزاری از مشرکان و اعلان جنگ با آنها، گروهی را استثناء کرده و می‌فرماید: «الَّا الَّذینَ عاهَدْتُم مِنَ الْمُشْرِکینَ ثُمَّ لَمْ یَنْقُصُوکُمْ شَیْئاً وَ لَمْ یُظاهِرُوا عَلَیْکُمْ احَداً فَاتِمُّوا الَیْهِمْ عَهْدَهُمْ الی مُدَّتِهِمْ انَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَّقینَ»؛ مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید، و چیزی از آن را در حقّ شما فروگذار نکردند، و احدی را بر ضدّ شما تقویت ننمودند؛ پیمان آنها را تا پایان مدّتشان محترم بشمارید، زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد. تعبیراتی که در این آیه شریفه به کار رفته نشان می‌دهد که تا دشمنان آیین رحمت، ص: ۷۱ اسلام پیمان شکنی نکنند، و با کسانی که با مسلمین مستقیماً در جنگ هستند همکاری نداشته باشند، و خلاصه احساس خطری از ناحیه آنها نشود، مسلمانان با آنها وارد جنگ نمی‌شوند. و در یک جمله، مسلمانان شروع کننده و آغازگر جنگ نخواهند بود. علاوه بر دو آیه فوق، آیه ۶۱ سوره انفال، که شرح آن گذشت، نیز مؤیّد همین مطلب است. آیه مذکور به مسلمانان سفارش می‌کند دستی که برای صلح به سوی آنان دراز می‌شود را به گرمی بفشارند. مفهوم این آیه آن است که اسلام به اقوام و ملل و کشورهایی که تمایل به جنگ ندارند حمله نمی‌کند و آنها را مورد هجوم قرار نمی‌دهد. خلاصه اینکه: طبق نظر برخی از محقّقان و اندیشمندان و مورّخان اسلامی، جنگهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در صدر اسلام همگی جهاد دفاعی بوده و هیچ کدام جهاد ابتدایی به شمار نمی‌آید، و آیاتی از قرآن مجید نیز این مطلب را تأیید می‌کند.

پاسخ دوم: جهاد ابتدایی در موارد خاصّی هماهنگ با عقل و منطق است

از قرآن مجید سه نوع جهاد ابتدایی استفاده می‌شود که هماهنگ با عقل و سیره تمام عقلای جهان است، و هیچ تضادّ و تنافی با رحمت و رأفت اسلامی ندارد: آیین رحمت، ص: ۷۲ ۱- جهاد برای خاموش کردن آتش فتنه آیه شریفه ۱۹۳ سوره بقره، به این نوع جهاد اشاره می‌کند؛ خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَ قاتِلوُهُمْ حَتَّی لا تَکُونَ فِتْنَةٌ وَ یَکُونَ الدّینُ لِلَّهِ»؛ با آنها پیکار کنید؛ تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم) باقی نماند، و دین مخصوص خدا گردد. طبق این آیه شریفه هر کجا فتنه‌ای برپا گردد و راهی برای از بین بردن آن جز جنگ نباشد، به ما اجازه داده شده برای رفع فتنه، دست به جهاد ابتدایی بزنیم. و همانطور که گفته شد این نوع جهاد ابتدایی مورد قبول عقلا و سایر ادیان و مذاهب عالم نیز می‌باشد، و سیره عقلا آن را تأیید می‌کند. که به دو نمونه آن اشاره می‌شود: الف) چند سال قبل که کشور مسلمان بوسنی و هرزه گوین مورد حمله وحشیانه صربهای ظالم قرار گرفت، و آنها به تخریب خانه‌ها و مساجد و مزارع و بیمارستانها و سایر مراکز این کشور اسلامی پرداختند، و از آن بدتر نسل کشی گسترده‌ای را آغاز کردند، اتحادیّه‌ای در کشورهای اروپایی تشکیل شد تا درباره این فتنه چاره‌ای بیندیشند؛ آنها در نهایت به این نتیجه رسیدند که برای دفع این فتنه چاره‌ای جز تهاجم نظامی و درگیری با صربها ندارند؛ بدین منظور به آنها حمله کرده و فتنه را خاموش نمودند. ما در اینجا به انگیزه‌های اتحادیّه مذکور کاری نداریم (که امور آیین رحمت، ص: ۷۳ معنوی و کمک به مسلمانان بوده، یا جلوگیری از مشکلاتی که در آینده دامنگیر خود آنها خواهد شد، یا امور دیگر) ولی به هر حال آنها این جهاد ابتدایی و هجوم نظامی را برای سرکوب فتنه صربها صحیح دانسته و انجام دادند، و بقیّه عقلای جهان نیز کار آنها را تأیید کردند. ب) نمونه زنده‌تر، جنگی است که اخیراً در افغانستان رخ داد. ما شاهد بودیم که طالبان پس از تسلّط بر این کشور شروع به کشت وسیع خشخاش نمود تا کشورهای همسایه و خاورمیانه، بلکه سراسر جهان را آلوده کند. علاوه بر آن، دست به جنایات بی‌سابقه‌ای در داخل افغانستان زد و برای مردم این کشور و سایر جهانیان تبدیل به یک فتنه خطرناک شد؛ در اینجا اگر برای ختم این غائله و دفع این فتنه، شورای امنیّت سازمان بین‌الملل، نیرویی تشکیل می‌داد تا با حمله به افغانستان، مردم مظلوم آن کشور و همه مردم جهان را از شرّ طالبان نجات دهد، بدون شک کار پسندیده و مورد قبول همه عقلای جهان بود. و اگر مردم جهان در داستان افغانستان به

آمریکا معترض بودند، برای این بود که کشور متجاوز با سابقه بدی که از خود به جای گذاشته، جای هیچ حسن ظنّی را باقی نگذاشته و مردم می‌دانند که او برای دفع فتنه پای به این سرزمین ننهاده، بلکه به دنبال مطامع خویش می‌باشد. به هر حال، جنگ و جهاد برای خاموش کردن فتنه، که از قرآن مجید استفاده می‌شود، مورد قبول و پذیرش تمام عقلاـ در سراسر جهان می‌باشد، و خشونت محسوب نمی‌شود. آیین رحمت، ص: ۷۴ ۲- جهاد با طاغیان و باغیان هر گاه دو طایفه، یا دو گروه، یا دو کشور اسلامی، به جان هم بیفتند و با یکدیگر درگیر شوند، وظیفه سایر مسلمین- طبق آنچه در قرآن مجید آمده «۱»- این است که اختلافات آنها را بر طرف نموده و صلح و آشتی را در بین آنها برقرار نمایند. و اگر یکی از آنها کوتاه نیامد، و دست از ظلم و تجاوز و تعدّی برنداشت، و علی رغم آمادگی طرف مقابل برای صلح، همچنان به هجوم و یورش خود ادامه داد، از دیدگاه اسلام «باغی» شمرده می‌شود. در اینجا اسلام به مسلمانان اجازه می‌دهد که به جنگ «گروه باغی» بروند و با او جهاد ابتدایی کنند؛ هر چند او با ما کاری نداشته باشد و طرف درگیری ما نباشد. اسلام نمی‌پسندد که گروهی بر گروه دیگر ظلم کنند و ما فقط نظاره‌گر باشیم. بلکه به ما دستور می‌دهد به یاری مظلوم بشتابیم. بر همین اساس، ما معتقدیم که تمام کشورهای اسلامی، به هر شکل ممکن، باید به فلسطین مظلوم کمک کنند و شرّ اسرائیل غاصب و ظالم، که هر روز ظلم و جنایت تازه‌ای می‌آفریند، و عرصه را بر مسلمانان مظلوم آن دیار تنگ کرده، رفع نمایند. وگرنه بدون شک در پیشگاه خداوند مسؤولیّتی بس سنگین خواهند داشت. این نوع از جنگ، هر چند جهاد ابتدایی محسوب می‌شود ولی با هر منطق و عقل سلیمی سازگار است، و خشونت به شمار نمی‌آید. بلکه آیین رحمت، ص: ۷۵ مقتضای رأفت و رحمت اسلامی نسبت به گروه مظلوم و تحت ستم می‌باشد. ۳- جهاد برای از بین بردن موانع آزادی تبلیغ اسلام خداوند دستورها و برنامه‌هایی برای سعادت و آزادی و تکامل و خوشبختی و آسایش انسانها طرح کرده، و پیامبران خود را موظّف ساخته که این دستورات را به مردم ابلاغ کنند. حال اگر فرد یا جمعیّتی ابلاغ این فرمانها را مزاحم منافع پست خود بینند، و بر سر راه دعوت انبیاء موانعی ایجاد کنند، آنها حق دارند نخست از طریق مسالمت‌آمیز، و اگر ممکن نشد با توسّل به زور این موانع را از سر راه دعوت خود بردارند، و آزادی تبلیغ را برای خود کسب کنند. به عبارت دیگر، مردم در همه اجتماعات این حق را دارند که ندای منادیان راه حق را بشنوند، و در قبول دعوت آنها آزاد باشند. حال اگر کسانی بخواهند آنها را از حقّ مشروعشان محروم سازند، و اجازه ندهند صدای منادیان راه خدا به گوش جان آنها برسد، و از قید اسارت و بردگی فکری و اجتماعی آزاد گردند، طرفداران این برنامه‌ها حق دارند برای فراهم ساختن این آزادی از هر وسیله‌ای استفاده کنند. بنابراین، اگر مسلمانان بخواهند از راههای منطقی، دین و آئین خویش را تبلیغ کنند، و آن را به غیر مسلمانان عرضه نمایند، ولی عدّه‌ای مزاحم آنها شوند، و مانع تبلیغات منطقی و صحیح آنها گردند، و برای این آیین رحمت، ص: ۷۶ امر مقدّس مانع تراشی کنند، به گونه‌ای که قلمها را بشکنند، زبانها را ببرند، و نفسها را در سینه خفه کنند، اسلام در این مورد نیز به پیروان خویش اجازه می‌دهد که برای از بین بردن این موانع و تبلیغ صحیح و منطقی آئین حق (نه تحمیل آن به زور و قدرت شمشیر) دست به جهاد ابتدایی بزنند، و بر دشمنان جاهل و نادان بتازند، و موانع را از سر راه بردارند. اسلام، هنگامی که به ایران آمد، برای تحمیل عقیده بر ایرانیان پای به این سرزمین ننهاد، بلکه برای رفع موانع نامعقولی که بر سر راه تبلیغات منطقی اسلام وجود داشت، با لشکریان ایران به مبارزه پرداخت؛ ولی پس از پیروزی بر لشگر ساسانیان، هرگز مردم را مجبور به پذیرش اسلام نکرد. بدین جهت سالها پس از فتح ایران توسّط اسلام، برخی از آتشکده‌ها روشن بود و تعدادی از مردم بر کیش و آئین سابق خود باقی بودند، هر چند غالب مردم ایران، که افراد باهوشی بودند، دین اسلام را از صمیم دل پذیرفته، و دستورات آن را به جان خریدند. ساسانیان مانع اصلی تبلیغ اسلام در ایران بودند. اسلام با برداشتن این مانع بزرگ از سر راه مردم، زمینه پذیرش اسلام را توسّط ایرانیان فراهم کرد. بدون شک این نوع از جهاد ابتدایی نیز مورد انکار عقلای جهان نمی‌باشد. به طور کلّی جهاد ابتدایی، که برای خاموش کردن آتش فتنه، و یا جلوگیری از طغیان طاغیان و باغیان، و یا از بین بردن موانع تبلیغات آیین رحمت، ص: ۷۷ اسلامی، صورت می‌گیرد، خشونت محسوب نمی‌شود بلکه عین

رحمت و رأفت اسلامی است. از آنچه گفته شد بخوبی روشن می‌شود که اسلام، آئین رأفت و رحمت است و حتّی برخی از دستورات دینی آن، که در ظاهر خشونت‌آمیز به نظر می‌رسد، (هرگاه اندکی پیرامون آن تفکّر و اندیشه شود، روشن می‌گردد که) هیچ منافاتی با رحمت اسلامی ندارد. و آنان که به این آئین سراسر رحمت و رأفت، برچسب خشونت زده‌اند، یا انسانهای دورافتاده از تعالیم اسلامی هستند، یا دشمنان کینه توزی هستند که اسلام را مانع مطامع و منافع نامشروع خویش می‌بینند. اهداف جهاد در اسلام جنگ در اسلام، هیچگاه به عنوان یک ارزش تلقّی نمی‌شود، بلکه از این نظر که مایه ویرانی، و اتلاف نفوس و نیروها و امکانات است یک «ضدّ ارزش» محسوب می‌شود. لذا در بعضی از آیات قرآن، مانند آیه ۶۵ سوره انعام، در ردیف عذابهای الهی قرار گرفته است. در آیه مورد اشاره جنگ در ردیف «صاعقه» و «زلزله» و بلاهای زمینی و آسمانی شمرده شده است. به همین دلیل در اسلام تا آنجا که امکان دارد از جنگ پرهیز می‌شود. ولی در آنجا که موجودیّت امّتی به خطر می‌افتد، یا اهداف مقدّسش در معرض سقوط قرار می‌گیرد، در اینجا جنگ یک ارزش محسوب می‌شود، و عنوان «جهاد فی سبیل اللَّه» به خود می‌گیرد. آیین رحمت، ص: ۷۸ بنابراین، جهاد اسلامی برخلاف آنچه دشمنان معاند تبلیغ می‌کنند، هرگز به معنی تحمیل عقیده نیست، و اصولًا عقیده تحمیلی در اسلام ارزشی ندارد، بلکه جهاد مربوط به مواردی است که دشمن جنگ را بر امّت اسلامی تحمیل می‌کند، یا آزادیهای خداداد را از او می‌گیرد، یا می‌خواهد حقوق او را پایمال کند، و یا ظالمی گلوی مظلومی را می‌فشارد، که بر مسلمانان واجب است به یاری مظلوم بشتابند، هر چند منتهی به درگیری با قوم ظالم شود. این نکته نیز قابل توجّه است که در اسلام مسأله همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان آسمانی دیگر مورد تأکید قرار گرفته، و در آیات و روایات و فقه اسلامی بحثهای مشروحی در این زمینه تحت عنوان «احکام اهل ذمّه» آمده است. اگر اسلام طرفدار تحمیل عقیده و توسّل به زور و شمشیر برای پیشرفت اهدافش بود، قانون احکام اهل ذمّه و همزیستی مسالمت‌آمیز معنایی نداشت. گاهی بلاها هم رحمت است! کسانی که به احکام قصاص و حدود و جهاد اسلامی معترضند، و آن را نشانه خشونت می‌دانند، حتماً بلاهای آسمانی و زمینی، و مجازاتهای الهی را نیز خشونت می‌پندارند، و خداوند را نیز خشن معرّفی می‌کنند! در حالی که ما معتقدیم بلاها و مجازاتهای الهی، که در دنیا شامل گنهکاران می‌شود و دامن آنها را می‌گیرد، هر چند ظاهری خشونت‌آمیز دارد، ولی آیین رحمت، ص: ۷۹ آن‌ها هم رحمت است! قرآن مجید در این زمینه، در آیه شریفه ۹۴ سوره اعراف تعبیر جالبی دارد؛ در آیه مذکور می‌خوانیم: «وَ ما ارْسَلْنا فی قَرْیَةٍ مِنْ نَبِیٍّ الّا اخَذْنا اهْلَها بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ یَضَّرَّعُونَ»؛ و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر این که اهل آن را به ناراحتیها و خسارتهایی گرفتار ساختیم؛ شاید به خود آیند و به سوی خدا باز گردند و تضرّع کنند. انسانِ مستِ ناز و نعمت، گوشش بدهکار حرف پیامبران نیست؛ امّا هنگامی که با مشکلات دست و پنجه نرم کند، غرورش می‌شکند، و گوشش آماده پذیرش سخن حق می‌شود. بنابراین، عذابهای الهی که سبب بیداری گناهکاران و بازگشت آنها به سوی خداو موجب تضرّع و توبه و انابه می‌گردد، خشونت نیست، بلکه رحمت و رأفت الهی است. آیین رحمت، ص: ۸۱

فصل ششم:

ضمیمه‌ها

۱- بیانیّه حضرت آیةُ اللَّه العظمی مکارم شیرازی

در نقد سخنان پاپ درباره اسلام بسم اللَّه الرحمن الرحیم چندی قبل کاریکاتوریست‌های دانمارک برای توهین به اسلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به میدان آمدند، که با آن اعتراض یکپارچه مسلمانان روبرو شدند. این بار پاپ رهبر کاتولیک‌های جهان را اغفال کردند و او را به میدان آوردند، تا جهاد اسلامی را زیر سؤال برده و مسلمین جهان را به خشونت متّهم سازد و از آئین الهی

دور بشمرد، که با اعتراض شدید و گسترده مسلمانان جهان روبرو شد. البتّه چنین هجمه‌ای بعد از پیروزی قهرمانانه حزب اللَّه لبنان بر اسرائیل (در سایه همین حکم جهاد اسلامی) دور از انتظار نبود؛ ولی چرا یک رهبر بزرگ مسیحی فریب سیاستمداران خودکامه و ظالم را بخورد، و در عمل ثابت کند هیچ اطّلاعی از احکام اسلام ندارد؟ آیا باورکردنی است که رهبر بزرگ کاتولیک‌ها تا این اندازه از مذهب بزرگی همچون اسلام با یک میلیارد و چهارصد میلیون پیرو بی‌خبر باشد؟ ما ضمن محکوم کردن شدید این اهانت بزرگ به اسلام و مسلمین جهان، که سبب ناامنی بیشتر در جهان می‌شود، یادآور می‌شویم که: قرآن مجید در آیه ۶۱ سوره انفال با صراحت می‌فرماید: هر کس دست صلح و آیین رحمت، ص: ۸۴ دوستی به سوی شما دراز کرد، دست دوستی و صلح به سوی او بگشایید. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا». و در آیه ۱۹ سوره بقره می گوید: با کسانی پیکار کنید که با شما پیکار می کنند و از حد تجاوز نکنید، خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَايُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» و آیات فراوان دیگر. آیا پاپ انتظار دارد صهیونیست‌ها، از آن طرف دنیا بیایند و کشور فلسطین را از دست صاحبانش بگیرند و آواره بیابانها کنند و آنها سکوت نمایند؟ یا اینکه مردم لبنان کشورشان مورد تجاوز صهیونیستها قرار گیرد، همه چیز را ویران کنند، همه کس را اعم از کودک و پیر و جوان، قتل عام نمایند وحزب‌اللَّه ساکت بنشینند؟ زهی تصوّرباطل، زهی‌خیال‌محال. آقای پاپ! شما به جای حمله به مسلمانان جهان، سیاستمداران بی‌رحم و خونخوار خودتان را نصیحت کنید که دوران استعمار پایان یافته و به استقلال کشورهای اسلامی و مسلمین جهان احترام بگذارید، تا به شما احترام بگذارند. شما با پیروی از خواسته‌های سیاستمداران جهان‌خوار مرتکب اشتباه بزرگی شده‌اید، سعی کنید هر چه زودتر آن را جبران نمایید، و مطمئن باشید حمله بی‌منطق شما به اسلام ومسلمین اثری جز فشرده شدن صفوف آنها نخواهد داشت. ۲۵/ ۶/ ۸۵ والسلام علی من اتبع الهدی

۲- دعوت پاپ به مناظره علمی و منطقی

اشاره

حضرت آیة اللَّه العظمی مکارم شیرازی در تاریخ ۶/۲۹/ ۸۵ ضمن دعوت پاپ به مناظره علمی و منطقی فرمود: این مناظره می‌تواند در هر زمان و هر مکان و بدون هیچگونه قید و شرط باشد و بطور زنده پخش گردد، و من مطمئن هستم در پایان این مناظره مردم جهان قضاوت خواهند کرد که اسلام منادی صلح و صفا و دوستی است، و جهاد یک سپر دفاعی در برابر دشمنان است نه برای تحمیل عقیده. *** معظّم‌له که در درس خارج فقه حوزه علمیّه به مناسبت روز پایان درس قبل از ماه مبارک رمضان سخن می گفت، افزود: قرنهاست بسیاری از مسیحیان در کشورهای اسلامی با ما زندگی می کنند، و هرگز شنیده نشده کسی را مجبور به تغییر عقیده کنند. سپس اضافه کرد: سخنان ستیزه‌جویانه پاپ مصداق بارز گسترش خشونت در جهان بود، و متأسّفانه فضای دنیا را ناامن‌تر کرد، و همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمین و مسیحیان را به خطر افکند. این در حالی است که ما در این زمان بیش از هر زمان دیگر نیاز به آیین رحمت، ص: ۸۶ دعوت به آرامش و امنیّت و صلح داریم. معظّم له از تمام طلّاب محترم و مبلّغان اسلام خواستند صلح‌طلبی اسلام را به اتّکای آیات قرآن و روایات اسلامی در ماه مبارک رمضان برای مردم تشریح کنند.

متن نامه معظّم‌له به پاپ

عالیجناب پاپ بندیکت شانزدهم با اهداء سلام و تحیّت؛ با توجه به سخنانی که جنابعالی در آلمان در نکوهش اسلام و حکم جهاد اسلامی گفتید و وجدان همه مسلمانان جریحه‌دار شد، اینجانب به عنوان یکی از مراجع دینی مسلمین، دارای پیروان فراوان و نویسنده بیش از ۱۳۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف علوم اسلامی از جمله بیش از ۴۰ جلد کتاب درباره تفسیر قرآن مجید از

جنابعالی دعوت می‌کنم که در یک مناظره علمی و منطقی که به صورت زنده پخش شود با ما شرکت کنید تا درباره دو مسأله بحث کنیم: ۱- آیا اسلام طرفدار خشونت است یا منادی صلح و دوستی و محبت؟ ۲- آیا اسلام به زور شمشیر در جهان گسترش یافت یا از طریق منطق آیین رحمت، ص: ۸۷ و دلیل و جاذبه فوق العاده فرهنگ اسلامی. و خوشوقت خواهم بود که اعلام کنم تعیین زمان و مکان آن را به اختیار جنابعالی می‌گذارم و هیچ پیش شرطی برای آن در نظر ندارم و امیدوارم موافقت خود را اعلام فرمایید. همیشه موفق باشید. IV tcideneB epoP ehTscnenimE sihT .dlrow eht tuo hguorht ecneicsnoc smilsum derujni dna dedneffo hcihw ."dahiJ "fo elpicnirp cimalsI dna malsI gninmednocdna ۲۰۰۶ ,۱۲ peS no ynamreG ni hceeps ruoy gnidragersehsiw dna sgniteerg tseb eht tihW :etabed siht rof seussiyek ot tseggus I dna lacigol a rof ot uoy etivni ot segdel wonkcimalsI tnereffid ni skoob ۱۳۰ naht erom rof rohtua na sa dnasrewollof suoremum htiw redael suoigiler milsum a sa ekil I ?evol dnapihsdneirf dna ecaep gniderps ro ecneloiv gnitroppus malsI sI -۱ ?erutluc cimalsI fo ssenevitcartta dna nosaer dna cigol esoohc. ۸۸ :آیین رحمت، ص ybro dlrow eht tuo hguorht drows yb dedaerps malsI neeb saH -۲ ot uoy rof ecalp eht dna emiteht evael dna noissucsid siht ot uoy etivni ot erusaelp ym si tI .narI fo cilbupeR cimalsImoQ fo yranimeS cimalsI ۲۰۰۶ ,۲۵ ,peSizarihs mirkaM risaN .sseccus tnetnamreop uoy gnihsiW .tnemeerga ruoy sserpxe lliw uoy epoh I ,snoitidnocerp on evah I *** این دعوت نامه محترمانه، با دو زبان فارسی و انگلیسی، مستقیماً به سفارت واتیکان در تهران تسلیم شد، ولی از طرف مقابل هنوز خبری نیست!!

۳- نامه اعتراض‌آمیز نماینده آشوریان ایران به پاپ

سخنان پاپ بندیکت شانزدهم آن قدر بی‌منطق و ضعیف بود که هم‌کیشان بی‌غرض و منصف پاپ نیز نتوانستند در برابر آن سکوت کنند، و بسیاری از آنان در برابر آن موضع گرفتند. برای نمونه به نامه مستدل و منطقی نماینده آشوریان ایران در مجلس شورای اسلامی توجّه فرمایید: به نام خدا حضرت پاپ بندیکت شانزدهم برای جامعه مسیحی و جهانی آشوری حیرت آور بود که با برداشتی متفاوت و البتّه خصمانه همه باورهای اسلام و مسلمانان جهان را به نقدی تند بکشانید. در یادمان هست که آن جناب بر مسندی تکیه داده است که پاپ ژان پل دوم به عنوان نماد صلح و گفتمان بین ادیان، نه تنها هرگز سخنی به گزاف علیه اسلام و مسلمانان نزد، که حتّی مسلمانی ترک تبار که به او شلیک کرد، بخشود. سُخره کردن جهاد و اسلام را دینی خشونت‌آمیز خواندن، داوری آیین رحمت، ص: ۹۰ سؤال برانگیزی است که در این مقطع حسّاس از زمانه بی‌پروا بر زبان می‌آورید. مگر سلف شما نبود که در بیانیه‌ای اثرگذار به مسیحیان یادآور شد که حمیّت و حمایت از دین را باید از مسلمانان و خلوص و عبودیّت آنان بیاموزند؟! برای جامعه مسیحیان جهان حیرت آور است که چگونه آن جناب به یاد سخنان تفرقه برانگیز امپراتور مسیحی بیزانس مانوئل دوم پلالوگوس در قرن‌های گذشته و زخم کهنه جنگ‌های صلیبی که جهان متمدّن امروز مرحمی بر آن گذاشته، جانی تازه می‌بخشید؟ اگر قرار است آن زخم‌های کهنه را باز کنید، طبیعی است که مسلمانان جهان هم از جنایات جنگجویان صلیبی کلیسای کاتولیک در قرون وسطی علیه دیگر مسیحیان، یهودیان و مسلمانان سخن بگویند. ما آشوری‌ها به عنوان جامعه‌ای مسیحی که به عنوان ملتی گسترده در شرق به هنگام ظهور مسیحیّت دین مسیحیّت را پذیرفته، قرن‌های متمادی در سرزمین‌های اسلامی و به ویژه میهن مادری‌مان ایران زیسته‌ایم، و هرگز به سبب باورهای دینی‌مان مورد خشم و ستم مسلمانان نبوده، و حتّی از ارج و قربی ستودنی نزد

این هموطنـان برخـوردار بـوده‌ایم. مـا در صـدر اسـلام به عنوان مسـیحیان آشوری بیشـترین داد و سـتد فرهنگی و علمی را داشـته، و بیشترین خدمات را به خلفای اسـلامی و آیین رحمت، ص: ۹۱ مسـلمان ارائه داده‌ایم. اکنون که زمانه گفتمان است و آن داد و ستد بین ادیان در آغاز ظهور اسلام می‌تواند نمادی زنده برای گفتمان ما باشد، دریغ که نگاه آن جناب به دور از تمدّن پویا و پرتحرّک است. مـا بـا باورهایمـان بـا دین مسیحی و به ویژه مـذهب شرقی‌مان بـا یـاد کلیسـای شـرق، که تا به امروز در میهن‌مان ایران زنـده مانده‌اند، زبانمان و خطمان مانده است آن هم در سـرزمینی که قرن‌ها با باور اسلام زیسته است، هرگز خشونت و خصمی که از آن سخن می‌رانیـد، نه شـنیده و نه دیـده‌ایم، و این به بـاور مـا سـخنی راستین نیست. ما همچون دیگر دین باوران و به ویژه مسـلمانان به انتظاریم تا آن جناب از یک جامعه پویای میلیاردی، پوزش بخواهید که این خواست عیسـی مسیح منجی‌مان است که می‌گوید: «در شـادی و سوگ همسـایه‌ات سـهیم بـاش». مـا چون این بـاوران میلیاردی در سوک این داوری خصـمانه‌ایم. با احترام یوناتن بت کلیا نماینده آشوری‌ها و کلدانی‌ها در مجلس شورای اسلامی و رییس دفتر آسیایی اتحادیه جهانی آشوری‌ها ۲۵/ ۶/ ۱۳۸۵

۴- اشتباه است یا امر دیگری؟!

میزگرد بررسـی ریشه‌ها و پیامدهای اظهارات پاپ، با حضور دهها نفر از استادان و صاحب‌نظران برجسته حوزه و دانشگاه، از ساعت ۱۸ لغایت ۲۲ روز دوشنبه مورخه ۱۷/ ۷/ ۸۵ در محلّ دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه برگزار شد، که بخشی از آن از نظر خواننـدگان عزیز می‌گذرد: مصـطفی بروجردی، آخرین سـفیر ایران در واتیکان در سـخنانی با اشاره به قسـمت‌هایی از زنـدگینامه پـاپ بنـدیکت شـانزدهم و سابقه علمی و سیاسـی وی اظهار داشت: بنـدیکت شانزدهم رئیس مجمع دکترین ایمان بود و رئیس این مجمع می‌تواند پاپ بعدی را انتخاب کند، امّا چون خود وی رئیس این مجمع بوده، خودش را به عنوان پاپ جدید بعد از مرگ پاپ ژان پل دوم انتخاب نموده است! وی با اشاره به نگرانی پاپ جدیـد از ظهور و گسترش اسـلام در اروپا و به خصوص در ایتالیـا خاطرنشان کرد: ظرف ۴۰ سـال اخیر جمعیّت مسـلمانان دراروپـا دو برابر شـده، و این باعث نگرانی بخش سیاسـی- امنیّتی، و بخش مـذهبی حکمرانان اروپایی شـده است. آیین رحمت، ص: ۹۴ به گفته بروجردی، دسـتگاه مسـیحیّت با تمام امکاناتی که برای تبلیغ بکار برده امّا به اذعان خودشان نتوانسته توقّعات کلیسا را برآورده کند، و این خود عاملی است که به نگرانی پاپ افزوده است. وی با اشاره به ابعاد گسترش اسلام در ایتالیا خاطرنشان کرد: وسعت ایتالیا نصف ایران و جمعیّت آن ۵۷ میلیون است و ۴۳۷ رادیوی کاتولیـک در این کشور تبلیغات می‌کننـد، امّا به اعتراف خود مقامات کلیسا هر روز از مراجعه مردم به کلیسا کاسـته می‌شود. از این طرف، بررسـی‌های انجام شـده نشان می‌دهـد که ظرف ۱۰ سـال آینـده ممکن است جمعیّت مسـلمانان این کشـور به ۵۰ میلیون نفر برسد، و این است که باعث نگرانی پاپ جدید شده است. آخرین سـفیر ایران در واتیکان با بیان اینکه غرب سـمبل اسلام را القاعده معرّفی می‌کنـد تـا بتوانـد در دل مردم اروپـا نسـبت به اسـلام نفرت ایجـاد کنـد، اظهار داشت: نکته دیگری که باعث نگرانی پاپ و دستگاه کلیسا شده این است که در کنار رشد اسلام‌گرایی، کلیسای کاتولیک شاهد گسترش روند الحاد و دین‌گریزی مسیحیان هم می‌باشد. در ادامه این میزگرد، (دانشـمند فرزانه) آقای خسـروشاهی سفیر اسبق ایران در واتیکان با بیان اینکه اهانت پاپ به اسلام نه شروع جنگ صلیبی بلکه استمرار آن است، خاطرنشان کرد: در پروژه مقابله با اسلام، بخش فرهنگی و دینی این پروژه به عهده پاپ گذاشـته شـده است، کمـا اینکه آقای بوش هم دقیقاً سـخنان ایشان را تأییـد کرد. آیین رحمت، ص: ۹۵ وی بـا اشاره به سوابق پاپ جدیـد اظهـار داشت: این پـاپ در جوانی عضو سازمـان جوانـان نـازی بود و بعداً به کلیسا پیوست و کشیش شـد. وی افزود: اینکه می‌گوینـد سـخنان پاپ ناشـی از عدم اطّلاع وی از اسـلام است، یک سـخن عوامانه است و مطمئن باشـید یک پاپ بیش از خیلی‌ها می‌داند که نقاط قوت اسـلام چیست. خسـروشاهی تأکید کرد: این پاپ در سابقه خود، رابطه با فاشـیسم ایتالیا و نازیسم آلمان را در پرونده دارد، و مکاتبات وی با موسیلینی و هیتلر یک سند منتشر شده است. وی با بیان اینکه همکاری پاپ قبلی با امپریالیسم آمریکا

بسیار تنگاتنگ بوده است، اظهار داشت: در زمان حیات ژان پل دوم روزنامه‌های چپ ایتالیا می‌نوشتند که این پاپ هر وقت می‌خواهد در خصوص مسائل مهم جهانی اظهار نظر کند ابتدا گزارشات CIA را می‌خواند. سپس (استاد بزرگوار) محقّق داماد، رئیس دائرهٔ المعارف بزرگ اسلام با بیان اینکه بایستی برای پاسخ به اظهارات پاپ از پاسخهای کلامی فراتر رفت، اظهار داشت: عاجزانه پیشنهاد می‌کنم برای پاسخ به پاپ راهی انتخاب شود که بیشتر جنبه استراتژی عملی داشته باشد. وی با بیان اینکه پاپ در سخنان خود اسلام را دینی بدون تعقّل معرّفی نموده است، اظهار داشت: برای پاسخ به این سؤال باید به پاپ محتویات ادبیّات اسلامی ۱۴۰۰ ساله و مطالعه آنها یادآوری شود. آیین رحمت، ص: ۹۶ بسیاری از متفکّرین غربی اعتراف کردند که اسلام دین عقل‌گرایی است، و همین که متفکّرین بزرگ اسلامی الگوی تمدن غربی شده‌اند و تمدن غربی وامدار عقل گرایی اسلامی است، خود جواب خوبی به ادّعای پاپ است. به گفته محقّق داماد، منهای گسترش اسلام از نظر فیزیکی در دو قرن گذشته، که موجبات نگرانی دنیای مسیحیت را فراهم آورده، مسلمان شدن متفکّرین بزرگ و فیلسوفان نامدار غربی، بر تمدّن غرب ضربه مهلکی زده است. برای فهم ابعاد این ضربه می‌توانید تصوّر کنید که مثلًا اگر بلاتشبیه علّامه طباطبایی رحمه الله با آن مقام علمی و مذهبی اعلام می‌کرد که دین مسیحیّت را پذیرفته چه ضربه‌ای به مسلمانان و جامعه اسلامی وارد می‌شد. به گفته رئیس دائرهٔ المعارف بزرگ اسلام، کسانی مثل «ولتر» و «کوربن» که عقل‌گرای محض بودند مبهوت اسلام شدند، و کوربن می‌گوید: «من عاشق اسلام عقلانی ایرانی هستم» و در نهایت مسلمان از دنیا می‌رود. وی با اشاره به احادیث و آیات مربوط به جهاد اظهار داشت: اندیشمندان اسلامی باید به بررسی این آیات و روایات بپردازند، تا تکلیف جامعه اسلامی با مسأله جهاد روشن شود. «۱»

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با

برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».